

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۶ صفحه

پیکار

سال دوم - دوشنبه ۱۳ مرداد ۱۳۵۹ بهار ۲۰ ریال

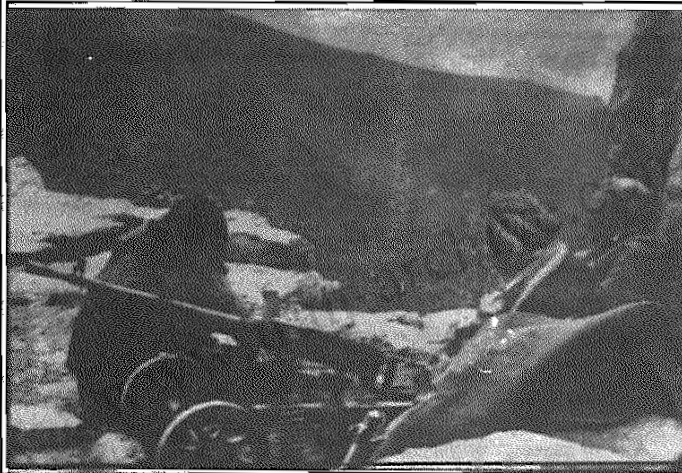
در صفحات دیگر این شماره:

- بمناسبت هشتاد و پنجمین سالگرد درگذشت فردریک انگلس صفحه ۱۶
- دستگیری نمایندگان مبارز شورای کارخانه دیسمان اصفهان صفحه ۳
- اعتصاب غذای زندانیان - تحصن خانواده ها و میتینگهای موضوعی در مسجد سلیمان صفحه ۱۶
- پاسخ به نامه ها - انتقادات به پیکار و وظیفه هواداران صفحه ۱۲
- گزارشی از مبارزات دهقانان روستای «نصیرآباد» صفحه ۱۵

اعتراض کارگران و کارکنان مبارز شرکت نفت لاپکو به اخراج همکارانشان

اخبار جنبش مقاومت خلق کرد

۵ صفحه



رفیق شهید تقی شهرام

در نامه های از زندان

۷ صفحه

آری، شاه مرد، اما...

سراجام شاه چنانچه بتکار در دستهای غربت، در فلاکت و زبونی مردوبه احتمال بسیار رزیا توسط اربابش کشته شد. او که بواسطه مبارزات عظیم و ملیپوئی توده های خلق دیگر نمیتوانست از منافع اربابا مبریا لیست خود پاسداری و حراست کند بناچار روتحت فشار مبارزات توده ها و بدستور ارباب خویش از ایران خارج شد. ولی امپریالیسم آمریکا یکی بجهت نترسیدن دیگر نوکرانش و اطمینان به آنها و دیگری برای استفاده از شاه جلا علیه مبارزات توده ها شاه را بطور کامل کنا رنگذاشت. اما پس از چندی امپریالیسم آمریکا دریا فت که شاه چنانچه بتکار دیگر بحدی از نظرسایسی نابود شده که نمیتوانند هیچ نقش مثبتی برای او بازی کنند و وجودش نه تنها مفیدنا بیده نیست بلکه عین مزاحمت و زیان نیز هست زیرا بمسورت مانعی در

بقیه در صفحه ۱۶

پرسر تشکیل دولت، جناحهای هیئت حاکمه یکدیگر را می کوبند

هیات حاکمه جمهوری اسلامی می رود تا با انتخاب دولت پس از رسمیت یافتن "مجلس شورای اسلامی" خریس قدمها را در راه "قانونی کردن نظام خود و تثبیت آن بردارد. در نظامهای ضد خلقی، انتخاب افراد در سلسله مراتب مختلف حکومتی محصول ترکیب قوائی است که جناحهای درونی هیئت حاکمه با یکدیگر درآیند. صرف نظر از اینکه ترکیب جناحها و تضادهای درون هیئت حاکمه چگونه است و دستها و ارگانهای کلیدی توسط چه "نماینگانی" بر مسمود وظیفه ملی حاکمیت دفاع از طبقه سرمایه داران و نظام سرمایه داری وابسته و بتکار گرفتن ابزارهای مختلف در سرکوب جنبش خلق می باشد. این وظیفه به هیات حاکمه وحدت می بخشد و آثار آرائی واقعی نیروها را مشخص میسازد. ماهیت و مضمون جنگ قدرت در "بالا" بر محتوای فوق استوار است. این مضمون بر این امر نظارت دارد: کدام نیروی ضد خلقی وظیفه سرکوب خلق و سرکردگی در هیات حاکمه را برعهده دارد؟

بقیه در صفحه ۲

افشای چپه ملی و مدنی از جانب حزب جمهوری اسلامی و ماهیت آن

نگاهی به مصاحبه مدنی با کیهان صفحه ۹

حزب جمهوری اسلامی، خانه دوم دکتر بقایی

بتاریخ دوم مرداد ماه، "مجلس شورای اسلامی" جلسه علنی داشت. در این جلسه اعتبارنامه آیت عقدا شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، مورد بحث قرار گرفت و تصویب گردید. آیت ضمن دفاعات خود مطالبی را داشت که چهره کشید و خاشاک نه خود، حزب قدیم ("حزب زحمتکشان") و حزب جدیدش ("حزب جمهوری اسلامی") را پیش از پیش به نمایش گذاشت. آیت طوسی سخنانش مطالب زیبا و گوناگونی را مطرح کرد که ما در اینجا فقط به نظراتش راجع به "حزب زحمتکشان" و استا دویسار و همدش، مظفر بقایی میپردازیم: بقیه در صفحه ۶

بمناسبت ۱۴ مرداد:

جنبش مشروطیت و خیانت سازشکاران

در طول قرنهای سلطه فئودالیسم و حکومت مطلقه پادشاهان خونخوار بر سر ایران تا اوایل قرن هجدهم بازمیآید. قیامها و جنبشهای دهقانی بنای حاکمیت اشراف، فئودالها و درباریان را بسط نرزادند. اختیارات آخرین جنبش وسیع توده های دهقانی قبل از جنبش مشروطیت قیامهای دهقانی "بابیه" بود که علیه غمدا منته و وسعت عظیمی که داشت باطلت نبود شکل، سازماندهی و برنامهای انقلابی محکوم به شکست بود. عقب ماندگی اقتصادی - اجتماعی و عدم توسعه روابط سرمایه داری در ایران بدلائل مختلف تاریخی مانع از آن گشته بود تا انقلاب بورژوا - دمکراتیک همزمان با سایر کشورهای پیشرفته سرمایه داری در میهن ما بوقوع پیوندد و اساس نظام توتلیدی فئودالی و حکومت وابسته به این نظام را تغییر دهد.

بقیه در صفحه ۱۴

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

نصفه اول صفحه ۱

بریس ...

سلسله حوادثی که در طول چند هفته اخیر اتفاق افتاده است، بدستال نگذرد تا قیامی از مسدود شدن آزادان و اشقیب دارد که در واقع و احوال کنوسی آنحه محصی گننده وضعیت و رایطه سن نهادهای مختلف در جامعه است عمارتست از: بعدال ناسا ندای، برسا :

۱ - حکومت حسن طلق را سرکوب میکنند. حکومت خواجهان این است که توده ها تنگت و فقری را کسه برایشان بهارمغان آورده است بندرسد. اما بلحاظ وجود اعتلای انقلابی و بحران انقلابی در جامعه، این سرکوب زسوی بوده ها تا عکس العمل حدی بردنسال میشود. در عین حال سرحرکات حدیما هه اخراجی ار آن است که فروری سوه توده ها سرعت بسیار سربعی بخود گرفته است و این امریکی اورگرگیهای سسار مهم لحظه کنوسی است .

۲ - حکومت بهمان نسبت که ما توان ار سرکوب حسن خلق میساید، از با نان دادن نهادهای دروسی خود نزننا توان است. ویژگی وضعیت کنوسی حاکمیت وجود سفادی است سن حرب جمهوری اسلامی و لیسرالی که دادا مهوتدا و ما س نهاد که سوزده بس از حرسان سفارت نکل گرفته است - سعادلی ناپایداری بسین دو جناح بوجود آورده است. این دو جناح که هر دو یک ما هیت طبقاتی دارید بر سر سرکردگی در هفت خاکمه که ما با با بیان چگونگی مقابلته با حسن خلق است به

مبارزه ای ارتجاعی علیه یکدیگر مشغولند. بدین ترتیب نایستی به ما هیت این تما داگا ه بود سوزده به این مسئله توجه داشت که وطیقه ای که به هیت خاکمه معوان یک کل واحد می باشد عمارت را در دفاع از کل نظام در بر سر سرکوب حلق. هها نظور که کفسم مجاهدهای درون حبه صد خلقی بر محور این اصل استوار است که کدامین سرورید دیگری سرکردگی داشته ما ساید .

۳ - امپریالیسم و سوزده امپریالیسم امریکاجواهان آنتند که هر چه زود سردار ایران خپه سرکردگی از مدخلی تثبیت اوضاع را بدستال یک سرکوب عمومی سوحسود آورد. اما از آنجا که کشور در موقعیت اعلام سربسرد، هب رژیمیی که مستحما و اسه نه امپریالیسم ساید قا در نخواهد بود دوام مپیا ورد. از آنجا که خود حکومت جمهوری اسلامی سز در فرام آوردن چنان شرایطی نایستوان است (تثبیت و سرکوب مطنی) وضعیت نایستوان بوجود آمده است .

با شرح مسائل فوق اکنون نگاهیه به سرنخولات سیاسی در جده ما ه خیر و سوزده مسئله سکیل دولست بنی صدر می کنیم .

بحران اقتصادی سیرگسترشی یافته دارد

واقعیت بحران اقتصادی و سرفزون با بنسده آن را عمدتا "لیبرالها" درک کرده اند و ما ه طبقاتی به آنها همما نده است که اما این سیر برای نظام جمهوری اسلامی فرجامی ناخوشایند دارد. بنی صدر با رها در مقابل مختلف اهمیت بحران اقتصادی را به "حریف" خود (حزب جمهوری اسلامی) و نیز طبقه سرما به دارگوشزد کرده است . بهم خوردن تعادل سرمایه گذاری در رشته های اقتصادی، کاهش سرما به گذاری بویژه در صنعت ، تورم گسترده و مزمین ... همگی از نشانه های یک بحران عمومی است که ما متکی بر ما ه رشته های اقتصادی است. در عین حال عواملی نیز وجود دارند که به بحران اقتصادی ما من میزنند. هها نظور که می دانیم در آمدت سهم بسا رهمی در اقتصاد ما به - داری وابسته دارد. بدون تزریق شدن درآمدت به

رسمهای دیگر اقتصاد، سرمایه داری وابسته کشور ما تا در نیت سولند و سولیدنما بد. اهمیت این مسئله نباید آن حد است که سسرات در درآمدت، سردمدار - ان رژیم را و ادره سسیر سربا مه های اقتصادی میکند. طبق سسین رژیم، فروری روزانه ۲ میلیون سکه مسواست با نان سال جاری، سوزده مورد نیاز دولت را بر ما هم که در حال آنکه رژیم در حال حاضر روزی سس ااره ۸۰۰ هزار سکه فا در سس فروری ساید. این سواست سرمداران را سرتان داسه است که سوزده اصطاری و اصطلاح حکمی سن سمان آورده. سحاسی در صفا های مکتوبه :

"سنا این سنا سسرا را سنا سرحسه سسکرد که

حماسی که در هکام اسخانات ریاست جمهوری ما عدم سرکوب در اس اسخانات و سس از آن سسردن فرما دهی کل سوا سسی صدر و دوری از حوادث سیاسی براسر سنا ری، کمک فراوانی برای بقدرت رسدن او کرده بود، در دوره بعدی مسقیم و غیر مسقیم سزدگی بیشتر خود را به حزب جمهوری اسلامی سنا داده است . سوزده اخرا سنی های سیاسی او اس امر را به شوب رسا سیده است. حمله خمینی به دولت موقت عمدتا ار اس موقع اسما ممشوده که آن دولت سوا سسه است خلق را سوسی سرکوب کند، اومی گوید :

آن روزی که سسوا سسیر و سسرد در کردسان سرای مذاکره س سنا سنا سسردا دم که اگری نخواهد برای

- صرف نظرا از اینکه ترکیب جناحها و تضاد های درون هیئت حاکمه چگونه است و پست ها و ارگان های کلیدی توسط چه "نمایندگان" پر میسود، و طبقه اصلی حاکمیت دفاع از طبقه سرما به دار ایستارن و نظام سرمایه داری وابسته و سنا گرفتن ابزار های مختلف در سرکوب جنبش خلق میساید .
- حزب جمهوری اسلامی آلترا تئو " حمام خون " را اکنون بصورت حدی مطرح میکند و بصورتی جدی در تحقق این شعار ارتجاعی وضد خلقی به پیش میورد .
- حمله خمینی به دولت موقت عمدتا از این موضع انجام میشود که آن دولت نتوانسته است خلق را بخوبی سرکوب کند .

در آمدت و مسائل نظور ما حتی کا هن پیدا میکنند سعی در آمدت تعادل سال میل حدود ۲۳ میلیارد ریال بوده است که ما سال سسین سسودنا آخرال به نصف بقلیل ساید ... برای جیسران اس رقم تنها راه طبیعی و منطقی این است که یک مقدار از هزینه ها را که سس دهیم و یک مقدار به در آمد ها اما که کنیم". (اطلاعات ۳۱ سرامه) از اس در آمد های دولت سسب کا هن در آمد تعادل سوزده سکه دولت حافظ منافع طبقه سرما به دار سنا سس معنی اس است که سوا روارد سس بوده ها ا طریق کا هن سسوزده ها و فرودن بر ما سنا سس های مختلف بر کا لاهای فروری و مورد نیاز مردم ... سسرو سسیر جاهدت. سسری سسرتن و سسیر بحران اقتصادی است که ما رزه طبیعی سوزده ها دردم اوج سسیری سسکرد. حکومت جمهوری اسلامی هسچونه "معجزه ای" که سنا ندادا مه حیات سرما به داری وابسته و "رونی" مجدد آن را بدستال داشته ساید، در استسین ساید .

حزب جمهوری اسلامی می خواهد قدرت را بدست بگیرد

هها نظور که قسلاکتیم و واقعیت هر مبارزه ای در هیتت خاکمه بران، با فتن سرکردگی در کل نظام است. سلسله حرکاتی که حزب جمهوری اسلامی بویژه پس از کشف نوار آبت آغاز کرده است حکایت از آن دارد که "حزب" میخواهد سرکردگی خود را بر نظام جمهوری اسلامی تامین کند. مسئله ساسی که چنین ضرورتی را فرما کرده است (و محور اصلی حملات حزب بر جناح لیبرالها است) این است که لیبرالها قا در نیت سسند جبهه انقلاب را سرکوب کنند و با عکس با عث رشد سسروهای انقلابی میسوند .

رفقا و هنرمندان مبارز هوادار سازمان

طرحها و نقاشیهای هنری - انقلابی خود را برای درج در نشریات سازمان، برپاشی نمایشگا ه و ... از هر طریقی که میتوانید در اختیار ما قرار دهید. در ایسن رابطه شما می توانید با ارسال ایده های جالب، ما را در عرضه طرحهای غنی تریاری سنا ساید . پیرو با سشید

مذاکره سسودنا در موقع قدرت سسرد، اول باید ارتش و پسا داران و ... آنها را احاطه کنید و محاط کنید بعد سنا سسرد سسخت کنید. مسامحه سنا سسین مسئله آن سسکه سسری طولانی برای ما پیش آمده و آنقدر سنا سسردا شدندا و سسوالان هم سسینتید فا سسبب ما سسعه قدر را بر سنا داران ما سسهد سسندند" (جمهوری اسلامی ۲ مرداد) و س :

"ملاحظه می فرما شد ان که مدتهاست ما سسزای عمومی اعلام میکنیم با سسنع جنازه می رسد ما راه سنا سس میکنیم برای سساره های که سسده است با مجلس عزا سسعد می کنیم. کار ما این سسده است که در این سسک با سنا دارهای ما سسظورقتل عام سسودنا سسظور کسه سسودنا سس برای اسن است که ما انقلاب را سسظور که سنا سسردا سسردا سس. اگر آن روزی که می خواستند در کردسان سسرای مذاکره سسود، من سنا سنا سسردا دم که مذاکره اگریخواهد سنا سسبب موقع قدرت سسود".

(اطلاعات ۳۰ سسیر) عرصه تا خب و تا زعلیه "دولت موقت" (که بخشی از لیبرالها را در بر می گیرد) فقط بهمنی جا ختم نمیشود و آیت الله مشکینی از "مها کسو" جنا یا ت دولت موقت سخن می گوید. کودتای امپریالیستی اخیر نیز صحنه دیگری گردید برای سسودن جبهه دیگری در حمله به لیبرالها توسط دارودسته حزب جمهوری اسلامی، که عمدتا بصورت حمله به "جبهه ملی" نکل گرفت . بنی صدر که در جریان "انقشای نوار آبت" در موضع برتر قرار گرفته بود، یکبار هیا موجی از تهاجم زسوی حزب جمهوری اسلامی روبرو گشت. سسوق حزب جمهوری اسلامی ویا نداد و در قوقفا شیوه قوه مقننه (مجلس) و موضع برتر آن در این دو بخش از ارگانهای جمهوری اسلامی ابزار رهمی را در اختیار و قرار داده است. حزب جمهوری اسلامی در ادا مه حملات خود به بنی صدر تا آنجا رسیده که با تمام قوا به حمایت از آبت این مزدور وابسته به امپریالیسم برده خسته ووی با در خواست علنی از رای سسگیری در سنا ره اعتبارنا مه اشکارا خواستار "روشن شدن خط ها" در مجلس گردید تا مخالفت اکثریت مجلس با "خط بنی صدر" روشن شود. در متن چنین اوضاع و احوالی است که می بینیم پس از گذشت چند ما ه و حتی

بقیه از صفحه ۳

۳ بعد از ظهر رسیدند و درون فرآ ز سرما به داران جزیره بنا مهای علوی وفرج مندی سرسود (فرج مندی بخشدار جزیره هم هسا) هاب "معمه" نام مرا...
 بازاریان میخورد و در حبسه لاوان سخنرانی میکند. هنگام رفتن این هیات، دوسرما به دار مذکور با بسی عده ای از عتقا صرمیا رز و حجب شرکتیای نفت لایک...
 ریستنگورا جهت "پاکسازی" در اختیار آن قرار میدهند این دوسرما به داران زکا رگران و کارکنان مسازر شرکتیای مذکور کینه ای عمیق به دل دارد. خصوصاً که چندی پیش کارگران مبارز خریدار حنا س سحسل و گرانقیمت خارجی را که اساز طرف ایسان وارد جزیره میشود تحريم کردند.

روز پنجشنبه ۱۹ تیرماه هیات باصلاح تصفیه جزیره را ترک میکند، درحالیکه حدود ۱۰ نفر از عتقا صرمیا رز و آگاه شرکت لایکورا تحت پوشش "پاکسازی" اخراج میشوند. این هیات همچنین دو تن از عتقا صرمیا رز شرکت ریستنگورا را تصفیه میکنند که مکان بازگشت محدود آنها به شرکت بسیار زیاده است!

روز پنجشنبه ۲۶ تیرماه کارکنان مبارز شرکت لایکوطی یک گردما شی و با صدور قطعنامه ای خواهان بازگشت عتقا صرمیا رز "تصفیه" شده میشوند. این عتقا در قطعنامه خود خطاب به مسئولین وزارت نفت ضمن اعتراض شدید به تصمیم هیات پاکسازی اعلام کرده اند که اگر ظرف ۱۵ روز از اول مرداد ما به خواست آنها رسیدگی نشود دست به اعتصاب غذا خواهند زد.

در قسمتی از قطعنامه آنها آمده است:

"ما طی ۱۷ ماه گذشته مکرراً از مسئولین خواستار اقدام قاطع و انقلابی جهت ملی کردن شرکتیای نفتی وابسته، صادره اموال امیریا لیس آمریکا و بخصوص مجموعاً مل مزدور رژیم جناسکار شاه، این جرثومه فساد دیده ایم ولی متاسفانه کمیسیون پاکسازی وزارت نفت تحت پوشش انقلابی "پاکسازی ادارت" پیش از آنکه عوام مل مزدور امیریا لیس و وابستگان به رژیم گذشته را هدف حملات خود قرار داده باشد، کارگران و کارمندان انقلابی و شوراهای واقعی آنان را تاج تهاجم همه جا ننه قرار داده است و تعدادی از عتقا صرمیا رز را که پیشینه مبارزاتی آنان شهره هنگام است مشمول این پاکسازی غیرعا دلانه قرار میدهد. ما شدیداً این عمل کمیسیون باصلاح پاکسازی را محکوم کرده و خواستاریم که ظرف ۱۵ روز از اول مرداد ماه با حضور خود در مجمع عمومی کارکنان در جزیره لاوان دلایل خود را ارائه داده تا تصمیمات نهائی توسط مجمع عمومی کارکنان اتخاذ گردد. در غیر اینصورت پس از انقضای مهلت یاد شده ضمن انجام کار دست به اعتصاب غذا زده و تصمیم گیریهای بعدی براساس رسیدگی یا عدم رسیدگی مسئولین را حق قانونی خود دانسته و مسئولیت عواقب آن به عهده مقامات مسئول می باشد."

← کارگران مبارز صنایع...
 اما کارگران با همبستگی خود این توطئه را نیز خنثی نمودند. آنها بطور دستجمعی به انبار ریخته و در آنرا با زگردن دوبه این ترتیب مانع خواندن تولید

**شورای اسلامی کارکنان بخش طی اطلاعیه ای
 معین فرآ از وزارت نفت خلع نمود**

ما هیات که نعتگران مبارز برای تصفیه شرکت ملی نفت از میزبدها و عتقا صرمیا لیس و رژیم مزدور شاه تلاش میکنند. اما از آنجا که این عتقا صرمیا لیس غیر مستقیم و غیر مستقیم مورد حمایت مقامات رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته اند، تلاش آنها با هیچ چشمگیری سازنا وارد.

نعتگران شهرمان که در سر خوردما و اقیاناس بندر چ از توهمشان نسبت به ما هیات این رژیم کاسته شده است خود دست کار رسده و به امدای انقلابی دست زدند.

شورای اسلامی کارکنان بخش دنبال تکمیل مجمع عمومی مورخ ۵۹/۴/۱۵ و تصمیم اخذ شده در آن حکم تطبیق و پاکسازی ده نفر از روسا و مدسازان عالی را تصویب نمود. روز بعد هنگامیکه ده نفر مذکور میخواستند به سرکار خود برگردند روزی آنها جلوسگری بعمل آمد. معین فرآ در سبب این از اقدام انقلابی نعتگران مبارز طی بخشنامه ای بتاریخ ۵۹/۴/۲۲ حکم تطبیق ده نفر از کارکنان بخش را که همگی عضو شورای اسلامی کارکنان مبارزند اعلام کرد.

روز دوشنبه ۲۳ تیرماه ده نفر از عتقا صرمیا لیس که اخراج شده بودند به سرکار خود بازگشتند. کارگران مبارز نسبت به عتقا صرمیا لیس بازگشت این دو نفر و نیز صدور حکم تطبیق ده نفر از نمایندگان نشان دست به تظاهرات زدند. در این روز همچنین شورای اسلامی کارکنان بخش با انتشار اطلاعیه ای که نشانگر قدرت همبستگی و یکپارچگی است. معین فرآ از وزارت نفت خلع نمود! در قسمتی از این اطلاعیه آمده است:

"ما بوجهی سبب فوق شوراسا کمال فخر و طوق و طغنه شرعی و همگام با سایر کارکنان اسلامی صنعت نفت ضمن خلع شما از وزارت نفت بخشنامه فوق الذکر را مردود اعلامی دارد. چه برای ما تطبیق اعضای شورای اسلامی هیچ معنی و تعبیری نخواهد داشت جز تطبیق یکی از دستاوردها و نهادهای انقلابی و اذعان به شکست رقبال این حرکتیای انقلابی."

روز بعد (۲۴ تیرماه) معین فرآ بعنوان عکس العملی در رقبال اطلاعیه شوراسا و مدیران اخراجی را همراه با حدود ۳۰ سادار به سرکاری آورد. وی همچنین برای توجیه اعمال مذکور و فضا انقلابی اش کارکنان بخش را جمع کرده تا برای آنها سخنرانی کند! اما نعتگران مبارز درحالیکه در طبقه ای از ساداران حاضر شده بودند از همان ابتدای صحبتی او و فرستادن ضلوات و فریادهای الله اکبر ما نسع از سخنرانی او شدند. روز چهارشنبه ۵۹/۴/۲۵ یکی از نمایندگان عضو شورا که جزوده نگیری بود که حکم تطبیق شان صادر شده بود بخواست معین فرآ توسط ساداران دستگیر میشود. دستگیری این کارگر مبارز عتقا صرمیا لیس یکبارچه و گسترده شوراهای نعتگران تهران را به همراه می آورد بطوریکه همان روز از میگرد و با ردیگر عجز از همبستگی و قدرت اتحاد و تشکل کارگران بنمایش گذاشته میشود.

شدند. سرانجام در سه مقام و یکبارگی کارگران اخراج حاد قاطعی شد و مدتی بعد بقرارداد است بزرودی بکارخانه بیا بد!

کمکهای مالی دریافت شده

۱۱۵۰۰	ی	۲۸۴۰۰	ح	۱۸۰۰۰	آ
۲۳۰۰	"	۸۰۰۰	"	۶۰۰۰	الف
۴۷۰۰	ک	۳۳۰۰	د	۵۳۰۰	"
۳۱۵۰۰	"	۳۲۰۰	ر	۷۳۰۰	"
۲۲۰۰	م	۴۱۵۰	"	۶۰۰۰	"
۳۶۳۰۰	"	۱۲۲۰۰	ز	۷۰۰۰	"
۱۱۱۱۰	"	۱۰۴۰۰۰	س	۲۵۰۰۰	"
۲۰۶۰	"	۱۱۰۰۰	"	۵۰۰۰	ب
۴۵۰۰	"	۵۶۰۰	"	۴۰۰۰	"
۵۰۰۰	"	۱۶۱۱۰	ص	۲۲۸۵۰	"
۸۱۰۰	"	۳۸۰۰	ص	۲۰۲۰۰	"
۱۱۵۰۰	"	۱۰۵۰۰	ع.ک	۹۰۰۰	"
۶۰۰۰	"	۲۸۹۰	ف	۱۴۰۰۰	پ
۶۰۰۰	ن	۲۲۲۰۰	"	۴۱۸۱۰	پ.ک
۳۳۰۰	ه	۶۸۰۰	"	۱۴۶۹۰	ج
۶۰۰۰	"	۳۵۶۰	"	۱۵۸۰۰	ح
۲۵۰۰۰	ه.ک	۱۰۰۰۰	"	۲۰۰۰	"
۶۰۰۰	ی	۱۳۸۰۰	"	۶۰۰۰	"
		۵۰۰۰	A	۱۱۱۱۰	ی

- ۱ - رفقای کتا ورزی (الف و ج) زورا من، مبلغهای ۱۰۰۰۰ و ۵۰۰۰ رسال کمکهای مالی شما دریافت گردید.
- ۲ - رفقای دانش آموزان در آغا غاری، مبلغ ۷۵۰۰ رسال کمک مالی شما رسد.
- ۳ - رفیق م. مبلغ ۵۰۰۰ رسال کمک مالی شما رسد
- ۴ - رفقای مدراسون محلسن و دانشجویان ایرانی در فراسه، مبلغ ۳۵۰۰ فرانک کمک مالی شما رسید.
- ۵ - رفیقان هوا در آلمان، هدیه شما رسید.

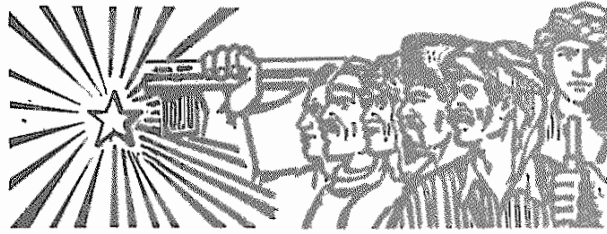
کارگران تهران جنرال استیل با همبستگی خود مانع اخراج رفقای مبارزشان شدند

مدیرکارخانه جنرال استیل عنصر مذکور است بنا بر صنعت زاده که از طرف دولت به این مقام منصوب شده است. وی که برای ایجاد رعب و وحشت و استخفاف بیشتر کارگران با کوچکترین بهانه ای دست به اخراج کارگران میزد. روز پنجشنبه ۱۹ تیرماه به کمک کمیته باصلاح پاکسازی چهار نفر از کارگران مبارز را اخراج میکند. روز شنبه ۲۱ تیرماه وقتی خبر اخراج کارگران مذکور به گوش بقیه کارگران میرسد بطوریکه راجه دست به اعتصاب میزنند و خواستار بازگشت دوستان خود میشوند. صنعت زاده مزدور برای سرکوب کارگران دست بدما مان ساداران سرما به میشود اما همبستگی کارگران توطئه او را با شکست مواجه میسازد بطوریکه ناچار به عقب نشینی شده و کارگران مبارز اخراجی سرکارهای خود بر میگردند.

کارگران مبارز جنرال استیل که با قدرت اتحاد خود مانع اخراج رفقای مبارزشان شدند اینک خواستار انحلال سندیکا ی فرمایشی و اخراج صنعت زاده و دیگر عتقا صرمیا لیس شدند

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

خلق ها و مسئله ملی



اخبار جنبش مقاومت خلق کرد

انشای توپخانه های ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی در مهاباد در دادگاه خلقی

بعد از ظهر ۵/۵/۵۹ توسط ساربان اسلامیه زحمتکشان (گومله) دادگاه خلقی در مهاباد برگزار شد. این دادگاه سرکوه کسه پیش از سه هزار نفر در آن شرکت داشتند برای محاکمه دولت ارتجاع ملین انجباراتی که احزاب سوسیالیست و دهقانان استبداد استبداد شریف زاده ریوست شهری تشکیل گردید. صلاح الدین شریف زاده با اعتراف آزادانه خود در آنجا راجع به گومله و انجمن در مهاباد پیشمرگان زحمتکشان، انجمن را در مهاباد آزاد می نماید... شرکت داشته است. این مرد توسط سپاه پاسداران شهریزده و... مواد منفجره را ساخته و مواد منفجره را به شهر آورده و آنها را در مهاباد با دستگیر شده است. مردم مهاباد با اطلاع صلاح الدین شریف زاده را با عدم معلوم کردن دولتی به شرط اینکه او اطلاعاتی در مورد سا بران مهاباد را و... ندهد بیکدر همه زجر آن کم خواهد شد. یوسف مهتری مجرم ردیف دوم بود که جرمهای سبکتری داشت و در هیچیک از آنجا را با سایر شهرها با در شرکت نداشتند و دیگر بعد از زور اول با سپاه پاسداران رژیم همکاری نداشته است تا توجه به این نکات یوسف مهتری به رای مردم آزاد گردید.

این دادگاه شکوه و عظمت خاصی داشت و برخلاف دادگاههای جمهوری اسلامی بطور علمی، توده ای و آزاد صورت گرفت، این آزادی تا بدانجا بود که تریبون در اختیار افرادی که شمع صلاح الدین شریف زاده عامل سخنی از آنها را در شهر مهاباد می کردند قرار گرفت. دادگاه می که بدون هیچ گونه سرکوشی، فریب نداشت و شرط دفاع را به متهمین داده است متهمین بین دادگاه برخلاف دادگاههای سرستد و غیر علمی جمهوری اسلامی هزاران تن از مردم مهاباد با دودند که در مهاباد در مهاباد رای اکثریت تصمیم آنها به ابرار آید.

سفر ۵۹/۲/۲۴

فرزندان مسلح خلق در شهر

سب میکانستی از نسبت پیشمرگان تهران را در مهاباد در مهاباد مهاباد می شوند. با سارانی که در شهر مهاباد با سارانی موضوع اطلاع پیدا کرده و وجود پیشمرگان را در آن محل به آنها در اطلاع میدهد. در این هنگام پیشمرگان نیز از این محل و ترک

تظاهرات انقلابی جوانان شهر

۴/۲۸ - در ساعت ۸ بعد از ظهر این روز عده ای از جوانان انقلابی شهر در میدان شهیدان مهاباد با سرود دادن شعارهایی چون: سؤی هزی بسمرگه با سار نسبت مهرگه و... انزخا خود را نسبت به هشت حاکمه و ارتش و با سار ان و جاشای مزدور رژیم پارتی دادند و از طرف دیگر نسبتاً بی خود را از پیشمرگان و جنبش مقاومت خلق اعلام کردند. این تظاهر کنندگان انقلابی بعد از ۲۰ دقیقه پراکنده شدند.

حکومت نظامی

۴/۲۹ - ارتش ضد خلقی با اعلام حکومت نظامی از ساعت ۱۱ شب تا ۳ با مهاباد در سه منطقه دیگر شهر کریم آباد (مکتب اسلام قدیم) شهر با نی قدیم (انتهای خیابان پهلوی) و منبع آب (دفتر قبلی گومله) مقرر گذاشته است. در ضمن هیئت حاکمه ترمان از نیروی لایسزال توده ها نیروی با سار خود را نیز در شهر افزایش داده است.

اشنبه ۵۹/۴/۲۷

تهدید ارتش و مقاومت مردم

در چند روز اخیر لشکر ۶۴ ارومیه اعلامیه ای در این شهر پخش کرده و در آن از مردم خواسته است که خطح سلاح شوند و اسلحه را زمین بگذارند و غیر این صورت از سپاه مهاباد را خودخواه رتقه برای سرکوب مردم شهر استفاده خواهد کرد. در آنجا هم آن سپاه که در قافله ران و قهلاتان و... قتل عامها و غارتها نموده است. در این روز بر علیه این اعلامیه و نیروهای سرکوب رژیم پارتی همپایی ای از طرف هواداران جنبش مقاومت ترتیب داده شده بود. در این تظاهرات مردم غیر سازمانی شرکت کرده و با شعارهای خود مقاومت و مبارزه را خواستار شدند و بدین ترتیب هرگونه سازش کاری را محکوم کردند. تظاهرات کنندگان بعد از گذشتن از مسیر خیابان اصلی متفرق شدند.

سفر ۵۹/۴/۲۲

حمله پیشمرگان سازمان به جاشها

در این روز پیشمرگان سازمان بیکار در آید سارم (در منطقه کلیانی از بخش کرمانشاه) برای دستگیری عده ای از جاشهای محلی که توسط دولت مسلح شده بودند میروند که با ورود پیشمرگان عده ای از جاشها می گریزند و بقیه نیز با پیشمرگان درگیر میشوند و خود را تسلیم نمی کنند که با آتش شدید پیشمرگان مواجه میشوند و ضربات سختی بر آنها وارد میشود در این درگیری که بیش از دو ساعت بطول انجام میداد تلفات دشمن اطلاعاتی درست نیست اما پیشمرگان سالم به با بیگانه های خود برگشتند و مورد استقبال شدگان هالی منطقه قرار گرفتند زیرا پیشمرگان دلاور خلق به مزدورانی که به زده بودند که کار آنها جز آزار و اذیت مردم مهاباد است. از بیایه های منطقه (با خله - کاسخسرو) نبوده است. لازم به یاد آوری است که این اولین سار است که نیروی پیشمرگان توانسته است به این منطقه برود و به همین لحاظ روحیه مردم بسیار خوب شده است و از این عمل انقلابی پشتیبانی می نمایند. بقیه در صفحه ۱۳

می کنند پس از خروج آنها ارتش مدخلی ایجادگان مدرسه را به گلوله توپ می بندد. پیشمرگان سار از خالی کردن چند ترانسپورت سخته در این حادثه پیشمرگان رجمی و سا کسه نمی شوند. این واقعه در سنگر سار می دهد که در بدترین شرایط احسا و سرکوب نیز نیروی مسلح خلق قادر به مقاومت در شهر است. ساری که به خلق امید میدهد و آنها را برای مقاومت بصورتی نفاذ و از طرف دیگر نیروهای سرکوب رژیم پارتی از پیش به لرزه می اندازد.

۲/۲۷ ساعت ۱/۵ - با مهاباد این روز در حوالی دخانیات و جاشها آزادی پیشمرگان گومله به سار ان این منطقه نیز اندازی کردند. طبق اطلاع حاصله در این سار اندازی که حدود یک ربع ساعت به طول انجامید. با سار ان ۲ کشته و ۴ نفر زخمی سرجای گذاشتند که توسط سولانس با سارستان حمل شدند. در این سار اندازی به پیشمرگان سار از آتش می ترسیده است.

انتقال زندانیان به سنج برای محاکمه

۲۷-۱۵ - سار اردستان ساری که در سار واک شهر رنداسی بودند توسط سولانس مینی بوس به سنج انتقال یافتند. این امر ظاهراً برای محاکمه آنها توسط حاکم سار انجام گرفته است.



حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بنا بر این با توجه با اینکه واقعا سما مساوی و بیرونده
ظهور درسا واک و داد درسی ارتش افتخار آمیز و حاکمی
از یک مبارزه آشتی ناپذیر طولانی است در صدد سر راه
انداختن تبلیغات دروغ و تحریف آمیز و این بسوع
پیرونده سازی شده اند.

۲۷- مثلا "اعلامه ای چاپ کرده بودند تحت
عنوان "ما زمان پیکار را بشناسید" و با صلاح افشاکری
علیه من که صرف نظر از دروغهای آشکار آن از جمله اینکه
فرار من را ساواک ترتیب داده بود! که این اعلامیه
را اولان اتفاقا اصل آن و بسته بزرگی از آنرا در
دفتر زندان مخفی دادم (برای معاینه پزشک در یک
وضع اورژانس بدقت بریده بودند) و جالب عکس من
بود روی آن - این عکس منحصر بفردی است که ساواک
در سال ۵۵ در اطاق حسینی از من گرفت و واضح است
که تنها می توانست در آن ریش و ساواک باشد، ریشی که
اینک تمام و کمال در سلطنت آباد و در نزد سپاهیان
آقایان منموری (جواد)، بشارثی، حاج محسن رفیعی
دوست و دوزدوزانی است! (۱۳) و از اینجا منشأ این
تبلیغات کا ملا معلوم میشود - یا تبلیغات که در
روزنامه خود سپاه علیه من راه انداخته اند! که البته
شنیده ام و نه دیده ام ولی جالب است که آنها از یک طرف
زندانها را، از طرف دیگر با زجوقا فی تحقیق و از طرف
دیگر رقیب سیاسی ایدئولوژیک... من هستند!

۲۸- آخرین نوشته قضیه کا ملا "دروغ سنگسری
کمالی است. کیهان در روزهای اخیر صفحه اول نوشت
که کمالی سر با زجوقا معروف ساواک دستگیر شد. در
حالیکه و در آذرماه دستگیر شده و تمام افراد بدین ابن
را میدانند. در این مدت روزانه ۱۰ ساعت عزت شاهی
(۱۴) و دیگران او را آذماه کرده اند که برنا می ماندند
شهرانی علیه نیروهای انقلابی مشخا "مجا هدی خلق
و مخصوصا در راه بطه با قضیه تشکیلات ما اجرا کنند. نحو
خبر هم اگر در وقت کنیده را بطه کمالی (که اسم اصلی اش
کما نگراست) با مجا هدی بعنوان شکنجه گیر آنها که
طبعا اطلاعات زیادی از آنها داردا کیده شد.

تاریخ نامه فروردین ۵۹

پاورقی ها

(۱) - منظور خاشن خود فروخته احمد احمد است که در آن
زمان در راه سپاه ساتی سازمان قرار داشت و پس از آن
که در سال ۵۳ دستگیر شد خود را در خدمت ساواک قرار
داد و بزودی برای خیانت به انقلاب و لودادن و تعقیب
مبارزین از زندان آزاد شد. همین شخص است که در
بیدادگای که رفیق شهرام را مطلقا محاکمه کرد،
وقیحا نه ترین تهمینها را به رفیق شهرام و دیگر
انقلابیون و سازمان مجا هدی خلق بست داد. اینکه
رژیم جمهوری اسلامی برای انبیا "حقانست" خود دست
بهدا مان همکار ساواک و خود فروختگان نظیر احمد
احمد و صغیر میرزا جعفر اعلاف و احمد کریمی و بهمن
تهرانی و... میزند، تنها یک چیز ثابت می کند و
آن است که این رژیم در مقابل خلق، و در نقطه
مقابل نیروهای انقلابی فرا زارد.

یکی از مطالب بد روغین وردیلانه ای که احمد
احمد در بیدادگای رفیق شهرام بعنوان کردا این بود که
گویا بین رفیق شهرام و رفیق ساسی بر سر سازماندهی
رفیق شهید فاطمه فتوک زاده اختلاف بوده است در حالی
که رفیق فتوک زاده (همسر سابق احمد) زمانه
مخفی (سال ۵۴) که رفیق علیرضا سیاسی در خارج کشور

بود، و زمانی هم که علیرضا به ایران بازگشت رفیق
فتوک زاده در اثر ترسهای جسمی و روحی ناشی از
چریکی متاسفانه دست به خودکشی زده بود (آذرماه ۵۵
و حدودی نزدیک ساواک اتمام رفیق سیاسی در دی
ماه سال ۵۳ در خارج کشور رفت و در باره رفیق ۵۶ نه
انرا با زنگش سپاه راهی که از نظر تکنیکالی پس
علیرضا و احمد احمد و رفیق شهید فتوک زاده بود، این
بود که رفیق سیاسی اینها را از طریق یک رابط سپاه
به سکیلات معرفی کرده و به خارج می رود و اسد و در آن
زمان و با حدود یک سال پس از آن در راههای علمی
و سیاسی با سازمان فرار اسد و بهیچوجه محتملی
نبودند اما مسئله سازماندهی مخفی مطرح گردید در همین
دادگاه احمد احمد آنها مسترمان وردیلانه تری را نیز
مطرح کرد، او بعنوان رفیق که در فتوک زاده خودکشی
نکرده بلکه دست رفیق شهرام به شاهد رسیده است! این
اسامی وی آنچنان ساواک اسد و نه دروغ بود که حسی
ساواک نیز با یکبار را نکرده بود و حتی بیدادگای انقلاب
اسلامی نیز آنرا نتوانست بیدرد.

(۲) - محمد غرضی، اسپاندار رفیق جوزسان و یکی از
مسئولین وقت سازمان سپاه با داران بود که رفیق
شهید شهرام و در باره های دیگر و با سار به کد ساس
چنین معرفی می نماید:

"ناری دادگاهها سنگدل (مطورا ولسن دادگاه
دستجمعی تازه فرار مجا هدی خلق در زمان سال
۵۵ است که در آن ۴ نفر اول با صمدی، علی میهنی-
دوست و محمد بازرگانی و مسعود جوی براسان حکم
اعدا متقاضی شد. شهرام منجمد رفیق ۷ و محمد عرصی
آخرین نفر) اما سازمان زمیندهما دادگاهها هلاک
را به دادگاهها که رژیم و آریا ساس تبدیل کردند.
اخرا دادگاهها بطور وحشتناکی تحریف شده در مطوعا
منکس می گشت، با این وصف حتی کلمات و جملات
کوته ای که به حقیقت در زمان همه تحریفات منکس
میگردید آشتی در خا معذور نشنا و افکار سرروهای
خوان و بیشتر ابعاد میگرد.

"همه ما بصرا از حرس بحر (محمد عرصی) که در
واقع از ما نبود و در طی سالیهای سال، علیرغم دوستی-
های قدیم با سگای با رفقای مسئول در سکیلات ما
هیچنان خود را از ما رزه و شکلات کما رکنده بود و در
نتیجه در ادارات رژیم به مدیر کلی و مقام موصی
رسیده بود، ملاحظه دادگاهها را رد کردیم، در ملاحظه
دادگاه خودکامی بود تا ساختن دستان شکنی
پیشنهادات سی شرمه آن گرگها و آریا ساسان بدهد
در حالیکه دفاع ساسی و در واقع تنها حمایت ساسی
و ایدئولوژیک سازمانها که دیگر خای خود داشت...
منجمد رفیق آخر با هم صلاحیت دادگاهها را ناسد کرد. او
بده کرد، انسانی کرد، قسم خورد - که احساسی به قسم
همدا شد - که هیچکاره است. با جالب بصع آمیزی
نیز دادگاهها به طلب بخشش کرد. او را تیر شه کردند و عضا
و شاد به چندان عیب، بعد از "پیروزی انقلاب" و در
رژیم جدید چیس فردی در راس یک ساواک جدید، دست
نظا ول و تعرضی روی فرزندان آیت الله العالی در
کرد و در حالیکه دشمن اصلی هنوز پای در قلب مهس
دارد و مردم هنوز شاید تنها یکی از هزاران رسته های
اسارتی را شناسا و رسدگی را از دست و بی خود پار ه
کرده با شد و هزاران شهید دیگر هنوز می است،
اوست و طوطه برای رود و روبرو دادن نیروهای انقلابی
خلق پیدا خت. باری او در آنروز تا بید ملاحظه
دادگاهها، نه تنها به حنیت سازماندهی و سیاسی انقلابیون
لطعمه زد و شکل یکبارچه ما را بفتح تبلیغات سو رژیم

(۳) - رفیق غنی رندان او
(۴) - اصغر صاعان (برادرها هم صاعان و برادر کور
دولت با رگان) از مسئولین اولیه سپاه با داران
می باشد، اصغر در اقدامات کیمبوراهای که پس از
واژگویی رژیم سپاه علیه سرروهای انقلابی کمونسس
و عسکر کمونسس نگار رفیق شهید با ل سوچی داد اسد و هم
اوست که در طوطه علیه خلق کرد و خلق برکن بستند
بوده است.

(۵) - رفیق شهرام با با ان سرروی این موصعگری
انقلابی اساد و "دادگاه" را سر بیچ قسمی بر حسب
ساخت و سنی آورنده و انقلابی را در این باره پایه
گذا ری بود. با س گرامی باد.

(۶) - محس هادوی در آن موقع "دادسان کل انقلاب
اسلامی" بود.

(۷) - رفیق شهرام هرگز تسلیم این حواسهای ساواک
گوه و مد انقلابی شد و رژیم جمهوری اسلامی را در راه
انداختن کارهای علیه مجا هدی خلق، متوجه خود
ناکام گذاشت، او با ن داد که چگونه بر انقلاب و ضد
انقلاب را همواره و لویعیت حاش - حفظ می کند.

(۸) - همس حاش - احمد را گرمی - اسروراهه
انجام ما موریت حاسنگار را بدگری مشمول است و
مانند ساسی که در خدمت ساواک بود و در ملاحظه
بطور بیوسی در کار ساسی علیه مجا هدی خلق به لحن
پراکنی بردا حاسا رهمان را در خدمت خرد بورژوا
- ها و بورژواهای فدرت رسده جمهوری اسلامی و
علیه مجا هدی خلق انجام مدهده، او "داد ساسی
انقلاب" ادعا میکند که او عموما هدی خلق بوده که
در نوعی سنسست و جدا کرد در رابطه هواداری قرار
داشت همچس او ادعا میکند که شهید سمد محس آشنا
بوده و با صراحتا طرا سکه ما رفیق برابر حق شناس را
سبان آورد ادعا می کند که اس رفیق زمانی ساگرد
بدرس بوده است. اینجا هیچک صحبت را در آوردن این
اسها حر برای بزرگمائی و رسته سازی جهت حاش
انداختن طوطه علیه مجا هدی خلق نیست. در اینجا
همه را سسما رژیم جمهوری اسلامی را با بدید که
چگونه برای لوب کردن سرروهای مرفی و انقلابی
به چنین حاشی مومیل می بود.

(۹) - در باره حیات اصغر میرزا جعفر اعلاف طی گزارش
مقطعی که از "گارا ردها ع ارتقی شهرام" در شماره های
آسده بیکار حوا هم آورده صحبت حوا هشد. همسدر
نکوم که و کسی اس که در زمان رژیم شاه حاش و در
حالیکه در اساط نا حس مستعار س. م. ج بود خود
را به پلس معرفی کرد و سسست سلور سون آمد و
حاشا علیه انقلاب و سرروهای انقلابی سخن گفت و
نرای ساه حاشا گفت و ساواک سسرتس آنرا سس
خاستگاری وی او را مدسی بعد آراد کرد.

(۱۰) - منظور رفقای شهید جمال سرفرا ده سرفاری
جمال موسوی قمی و ظا هره میرزا جعفر اعلاف (حوا هس
اصغر) است. سرج زندگی سرفرا سی و سفا دت آنها در
بعضه در صفحه ۱۱

شهران و از مسئولین فعلی سپاه پاسداران که اخیراً با دراختیار داشتن میلیونها تومان برای سیسها سلاح خرید، همه اسن افراد عناصری عقب مانده مرتجع و شدیداً ضد کمونیست میباشند رفیق دوست مستقیماً در سه شنبه دوازدهم ۴ مهر خلق ترکمن دست دارد.

(۱۴) - عزت شاه در سال ۵۱ سپاه تیزان سازمان مجاهدین بود که دستگیر و زندان افتاد و بعدها بخاطر گرایش های راست و ارتجاعی اش رابطه خود را با مجاهدین قطع کرد و اکنون در موضعی شدیداً ارتجاعی ضد کمونیستی و توطئه گرانه علیه نیروهای مترقی و انقلابی قرار دارد.



مراسم بزرگداشت خاطره رفیق شهرام

روز جمعه بمناسبت بزرگداشت خاطره رفیق شهید محمد تقی شهرام مراسمی در سه شنبه زهرا برگزار شد که در این مراسم هزاران تن از دوستان رفیق شرکت داشتند، در این مراسم خواننده رفیق، خواننده شهید، رفقای سازمانی و رفقای هوادار و دیگر تیر و هوسام کمونیست شرکت داشتند، این مراسم که از ساعت ۵ شروع شده بود با شکوهی مبرک و رودرستی ۷ به بیان رسید مشروح برگزاری مراسم را در شماره آینده ملاحظه کنید.



شرکت کنندگان با مشنهای گره کرده خود با قلبی مملو از کینه به ارتجاع، اعدا رفیق شهرام را محکوم میکنند.

رفقا!

- با تلاش هر چه بیشتر پیکار را پخش کنید.
- با هر امکافی که دارید تمام یا برخی مقالات و مطالب پیکار را تکثیر و پخش نمایید.

نسخه از صفحه ۸ رفیق شهید

پیکار ۵۱ (اول اردیبهشت ۵۹) آمده است.

(۱۱) - رفیق شهید میر تقی خاموشی در نزدیکیهای مرز ترکیه و در حالیکه ما خود ما دسری اسلحه و وسایل دیگر در دست همراهم رفیق شهید خود را در آنجا در دست داشتیم. (شرح مفصل در پیکار ۴۵ و ۴۴)

(۱۲) - انتقالی شهید حسن حسنان، سپاه تیزان بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق بود و با شغل مترجمی در سفارت آمریکا کمکهای دسقمستی به سازمان و انقلاب میکرد، در عملیاتی که فرار بود طی آن کاردار آن سفارت در تهران، اعدام انقلابی شومنا یفانسه اشیا هی بیس آدم و سحای فردا آمریکا بی مرور خود شهید حسنان - که در ا تومسبیل و زده سفارت نشسته بود - مورد ا ما بت گل و له قرا ر گرفته و شهید شد. در همان زمان سازمان طی اعلامیه ای هم از اشیا هی که بیس آمده بود شدیداً انتقاد را خود کرد و اشیا دت او را به انشوا دت اش تسلیمت گف. (تا بسنان ۵۲)

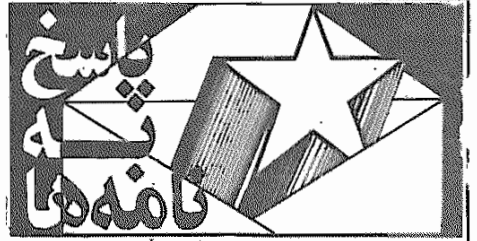
(۱۳) - حواد مسصوری، مسئول سیاسی سابق سپاه پاسداران علی محمد شاری دارای ساعه منده همگاری با او ک (به پیکار ۴۷ مراجعه شود) و ما بنده فعلی مجلس شورای اسلامی ارجهر مو بر حواد از حقایق حقیقه جمهوری اسلامی، حاج محسن رفیق دوست با حرا رفروش صدان تره ما

در عین حال بسان دهنده ما هیبت عمما برسپرده و جنابینکارانه او و اسال اوبیز میباشد، نفی حرکت و نوا با شی بوده ها، بیوشادن بسن نفیس کننده و تاریحا زبوده ها، چشم فرو بسن بر نیروی عظیم و لانزال آنها، بیاشاددن سدسخصی صحیح و استراتژیک آنها، سعی کتمان و اقعبات، تحریف حقایق تاریخ مبارزاتی نوده هاسلت، نشانگر اندک و لوی بسوده و متعسف بورژوازی در عصر کمیندگی و احمرا میرا بسم اسب که از کام و حرکت روبرو شده ها در وحشت و خوفی عظیم و دانی بسرمبیرد، ما و سا بر کمونیست ها هرگز نمی گوئیم که نوده ها بطور کوتاه مدت و سدلیل معسف عنصر آکا و بنا آکا هی و توهم مور دسوا استفا ده قسرار نمی گیرند و اشیا بنمی کیندولی ابن سمعنا ی اسن نبوده و نیست که احساسات غذا میریا لیستی نوده های خلق و خواهشهای بحق و متعالی آنها مورد اسنه سزا قرا ربیگرد و اشیا نسا نسا تما نظرها ت فرما بیی زسنان شاه مقایسه شود.

مدنی، نوده ها از ما سی که احساسات ضد امپریا - لیستی خود را بروز میدهند و با به مبارزات ضد امپریا لیستی و دمکراتیک اقدام می ورزند، فاقد ارزش میداند و اعمال آنها را "سروصدا" "مینا مدوآنان را با او باشان نظا هر کینده زمان شاه قیاس میکنند، ولی همین مدنی هنگا میکه بخشی از نوده ها (اکثریت کانی که به مدنی رای دادند) از طبقات مرفه و مدافین رژیم شاه بودند و فقط بخشی از نوده های قشر متوسط و نا آکا به مدنی رای دادند. در اکثر توهم و نا آکا هی خود نسبت به ما هیبت او و ما نندا و رای میدهند و نظرمدنی "ما مطالعه" با فرهنگ و آکا هی میشوند. و در نتیجه رای آنها هم لزوماً ما لیستی مورد احترام قرا ربیگوده، می بینید که مدنی نوده ها را برای چه میخواهد و در کجا آنها را تا شهید میکند، درست در آنجا شبکه را با او نشانسه رفته اند، درست موقعی که به سیستم سرما به داری وابسته ایران را مورد حملات خرد کننده خود قرا ر داده اند، درست هنگا میکه مدنی و حامیان نظام وابسته حاکم را مورد تهاجم قرا رمیدهند، مورد تسمخر، ضرب و جرح و قتل و کشتار واقع میشوند و هنگا میکه در اشرا نا آکا هی و توهم خود قریب میخورند و بدام مدنی ها میافتند و مورد تا شهید و تمجید قرا رمیگیرند. این سیاستی است که بطور کل رژیم جمهوری اسلامی همه رژیمهای ارتجاعی بدان عمل میکنند. موقعی که نوده ها از روی عدم آکا هی و بسپاری از آنها برای "سلامتی" ما (و از بسن قبیل) به نظام جمهوری اسلامی رای میدهند، رای آنها و نظرات آنها محترم است زیرا که در جهت منافع حاکمان کنونی می باشد. ولی زمانیکه نوده های آکا ه خلقی کرد در گردستان با لاتفاق خواهان خود مختاری در جارجوب ایرانی مستقل و دمکراتیک هستند و نمایندگان سیاسی خود را در عمل برگزیده اند و با هیبتا نش - حویان داننگا هی با رای خود شوراهای دانشجویی را تشکیل داده اند... رای و خواست آنها فاقد اعتبار و ارزش بوده و اسال و گلوله و کشتارهای وحشیانه و خا نشانسه پاسخ داده میشود. چنین دیدگاه عمیقاً ارتجاعی نسبت به نوده ها و برنا آکا هی و توهم نوده های نا آکا هی و توهم تکبر کردن خاص تمام نیروهای ارتجاعی و ضد خلقی است. و این دقیقاً سیاست کل رژیم جمهوری اسلامی ایران است. سیاست سازگان و نهضت آزادی، بنیادی صدرو با ندش، حزب جمهوری اسلامی و اعوانش همه و همه در زمیندان و حاکمان کنونی می باشد. در میان چنین دیدگاه و سواسی کمونیستی با سدنا تلان همه جا نسبه

و بیکیبر موضع اصولی و انقلابی خود را در بین طبقه کارگرو سایر زحمتکشان ترویج و تبلیغ کنند. به آنها ما هیبت امپریالیسم، ما هیبت سرما به داری وابسته ما هیبت رژیم ما می آن ما هیبت جناحهای مختلف رژیم و ما هیبت و چکویکی دعواهای آنها، تضادها و اختلافات آنها را با یکدیگر توضیح داده و راههای و خلاصی را بد آنها نشان دهند و هرگز در این راه بر بیج و خم طولانی حسنگی را ننپذیرند و لحظه ای از خدمت به پرولتاریا و نوده های زحمتکش خلق غافل نشوند.

توضیح و تصحیح:
شعر "خون سرخ هربیشمرگ" که در پیکار ۶۵ در صفحه خلقها درج شده بود، سروده پیشمرگ شهید سازمان "عبدا لمجید نجمیه" است.



انتقادات بدپیکار و وگینه‌ها داران در برقراری پرونده‌های پیکار و توده‌ها

رفقا ما همواره نام‌ها می‌آید از جانب شما دریافت کرده‌ایم که در آن به شکیلی و سنگین بودن مطالب پیکار انتقاد شده است. در این نامه‌ها مطرح می‌شود که خوانندگان مقالات ویا برخی مقالات پیکاری خوانندگان کم‌سواد ویا مخصوص رفقای کارگران مکان پذیر نیست. باید گفت این انتقاد کاملاً بجای و درست است و ما چه در مشاهدات عینی خود وچه از طریق نامه‌های شما به این اشکال پی برده‌ایم. بر همین لحاظ نیز کوشش کرده‌ایم تا اشکال و تناقضات محتوای مطالب لطیفه‌نویسان را از آنجا که به زبان ساده بنویسیم، اکنون با وجود اینکه خواسته‌ایم پیکار را تا حدی انجا بدهیم، اما بسبب این که خودنویسیده‌ایم و با زحمات خود را بکار خواهیم بردیم. به گفته‌ی شما که هرچه ساده‌تر نوشته شود.

ولی رفقا این یک طرف واقعیت است که پیکار در گذشته نویسی مقالات اشکال داشته و هنوز هم دارد. اما در پیکار و دیگر واقعیت که معمولاً کمتر بدان توجه می‌شود این است که پیکار یک نشریه مرکزی ما زمان است. و نمی‌تواند مطالب خود را تا بدان حد ساده بنویسد که تا بیل فهم برای همگان با شد چرا که در این صیسیسورت اما ما به محتوای مطالب گذشته و رخدادهای جدید و از آن گذشته مطالب گذشته و برای اکثریت خوانندگان خسته‌کننده خواهد گردید.

یک ما زمان کمونیستی همیشه سعی می‌کند از طریق نشریات مختلف در سطح توده‌های دست به تبلیغ و افشاگری‌های سیاسی بزنند و برای همین از نشریات و اوراق مختلف استفاده می‌کنند. از نشریه مرکزی گرفته تا تراکت و اعلامیه جزوات ویژه بزبان ساده گرفته تا نشریات کارخانه‌ها و همه در خدمت این هدف قرار دارند. ما نیز از زمان ما بین وسائل تبلیغی و ترویجی استفاده می‌کنیم ما هر کدام از این نشریات و اوراق تبلیغی و وظیفه خاص را دنبال میکنند بطور مثال وظیفه‌ای که یک نشریه کارخانه در سطح یک کارخانه یا یک رشته تولیدی دنبال میکند عیار رتست از افشاکری و تبلیغ حول مسائل کارخانه ویا رشته تولیدی مربوطه از موضع کمونیستی (آموزش به کارگران که طبقه و احادی را تشکیل میدهد و دشمن طبقه‌اش آنسان یعنی سرمایه‌داران نیز یک طبقه اند...) تشکیل دادن عناصربیشرو... بالطبع در اینجا هدف نشریه کارخانه تبلیغ و ترویج در بین بیشترین توده‌های کارگران است. کارگران بیشتر گرفته تا کارگران متوسط و عقب مانده را در بر میگیرد. بنا بر این با توجه به هدف فوق هم مضمون و هم شکل و نحوه نگارش نشریه منطبق با سطح فکرو ذهنیت این توده‌هاست و کارگران بزبان ساده نوشته می‌شود تا هر کارگر هر چند سواد ابتدائی بتواند

نشریه کارخانه را مطالعه نماید. همینطور است نقش یک تراکت که در مورد یک موضوع مربوط به ما مزمخت - کسان و خلق نوشته میشود ویا یک جزوه آموزشی که با زبان ساده برای کارگران ویا روستائیان ویا بطور کلی گروه‌های کم‌سواد زحمتکشان و... نوشته میشود.

اما نشریه مرکزی ما که با زمان چنین نیست، این نشریه گرچه با ابتدا حدی کم سواد نوشته شود اما نمی‌تواند سطح مقالات و نوشته‌های خود را به سطح پایین ترین و عقب مانده ترین اقشار زحمتکش تنزل دهد. پس چه باید کرد؟ چگونه باید نشریه را خود را در میان زحمتکشان باز کند؟ در این مورد ما منظور گفتیم برخی وحی بسیاری از مطالب نشریه را قبیل اخبار و گزارشها و مقالات تبلیغی و افشاگری‌های سیاسی باید که ما ساده نوشته شود. اما عمده مطالب ترویجی و سیاسی مربوط به تحلیل از شرایط سیاسی حاکم و مبارزه طبقاتی و مبارزه ایدئولوژیک و... را نمیتوان در یک نشریه مرکزی آنچنان باز کرد و حلاجی نمود که برای تمام خوانندگان قابل فهم باشد بلکه این وظیفه‌ها داران آگاه و پیشرو ما زمان است که چنین مقالاتی را در جمع کارگران و زحمتکشان کم‌سواد ویا حتی بیسواد ویا توده‌های دانش آموز... بطور جمعی مطالعه کرده و آنرا بزبان ساده ویا توضیح و مثال و... برای خواننده کسان تشریح کنند. این وظیفه‌ای است که معمولاً به آن کم‌توجهی میشود. هنوز بسیاری از رفقای ما در آن زمان چنین وظیفه‌ای را برای خود قائل نیستند که پیکار را در میان محافل ویا در کارخانه و مدرسه و روستا و یا توده‌ها و... برای توده‌ها بخوانند و ما این وظیفه آنرا تشریح کنند. آنها خیال میکنند این تمام وظیفه نشریه است که لقمه را بچود و در دهان خواننده بگذارد. به این دسته از رفقا باید گفت: بنده رفقا این درک کاملاً اشتباه و کاملاً نادرست است. رفقای ما و ما وظیفه‌ها را زنده فقط بکارگران بخروش برسانند، نه فقط بطور مستقیم برای پیکار خوانندگان جدیدتری بیابند، بلکه همچنین وظیفه‌ها دارنده که پیکار را در میان محافل ویا برای زحمتکشان و یا خواننده و... بخوانند ویا بزبان ساده برای آنسان مضمون مقالات را توضیح دهند. این است یکی از راه‌های اساسی نفوذ یک نشریه کمونیستی در بین زحمتکشان، برای برخی از رفقا ممکن است این وظیفه پیش پا افتاده و کوچک جلوه کند. اما ما باید بگوئیم کار توده‌های و رفتن به میان توده‌ها یعنی همین چیزهای بظا هر کوچک، برخی روشنفکران آنقدر حرف هستند و از کار توده‌های برداشت ذهنی دارند که وقتی به آنها گفته میشود خوانندگان یک نشریه کمونیستی در میان زحمتکشان و توده‌های دمکرات یکی از وظایف شماست مسئله برایشان غیر قابل قبول است، اما واقعیت این است که این یک وظیفه مهم است و این مسئله بظا هر کوچک را یک بینش توده‌ای و پرولتری بخوبی درک میکنند ما یک بینش روشنفکری نه ویا سیفیستی نه! رفقای ما در آن زمان با یک کوشش نمایندگانی شوا تب درک و بینش اولی را از خود بزبان ویا بدرفتگر و بینش دومی منطبق سازند. رفقای ما در آن زمان در کردستان و بلوچستان که بیشترین ارتباط توده‌ای را دارند به اهمیت این مسئله خوب آگاه هستند همچنین رفقای که تاجاربا انقلابات جهانی را مطالعه کرده اند بخوبی میدانند که یکی از وظایف مهم کمونیستها در چین، روسیه و ایستام و... بردن نشریه مرکزی و دیگر نشریات به میان توده‌ها و خوانندگان برای توده‌ها و توضیح و تشریح مضامین آن بوده است.

سختن خود را با نقل قولها می‌آورد رفیق لنین

که در پاسخ به نامه‌های کمی از مسئولان حزب که از مسئول بودن نشریه (پیکار) استفاده می‌کنند (که در نامه‌ها با بیان می‌آورد و مضمون ادا مملکت برای روان سوسی و ساده نوشتن مطالب امدا و رسم کدرتقای هوادار سه وظایف مذکور را بر ما برتری و ما را مدهی محسوس پاسخ گویند:

رفیق لنین در حائ ارباخ به نامه ۲ می‌آید و می‌نویسد "در مقابل خواهی که با ساحتی وی منی بر با صلاح ادبیات توده‌ای می‌گوید:

"خوارها" "دسات" "توده‌ای" این شعار حائی شما چیزی نیست بجز نسخه‌ای خیالی که برای کس دیگری می‌نویسید تا مرضی فعلی بی‌ساخت را معالجه کند ویا بکند، چنین نسخه‌ای هرگز دردی را دوا نخواهد کرد! ..."

لنین سپس در رابطه با لزوم خواندن نشریات و اعلامیه‌ها در میان توده‌ها و ارباخ گزارش از عکس العمل توده‌ها برای هیئت بحریه چنین می‌گوید:

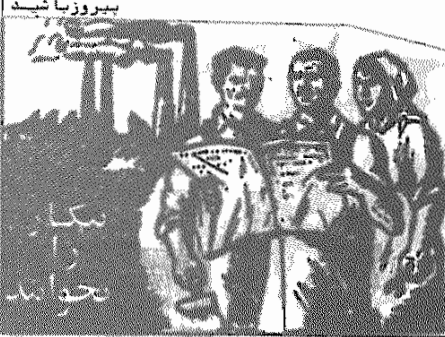
"... هر ماه‌ها و صدها اعلامیه، گزارش، خبرنامه از شما منقاپ روسیه به دست ما میرسد ما حتی یک (درباره معنای دقیق این کلمه خوب تعمق کنید) گزارشی در باره توزیع این صدها نسخه در میان توده‌ها در باره تاشیری که آنها بر روی توده‌ها می‌گذارند، در باره عکس العمل توده‌ها، در باره بحثها می‌که در میان توده‌ها راجع به این چیزها در می‌گیرد، در باره تکرار شده‌ها ما را در همان وضعی قرار داده‌اید که در آن نویسنده می‌نویسد و خواننده (روشنفکر) می‌خواند ... کسی که... کارش این است که نویسنده را با توده‌ها پیوند دهد مثل یک... می‌شنود و غرور میکند: به ما ادبیات توده‌ای بدهید، درحالی که که در نیست حتی از یک دم تا نچهار ردا استفاده کند..."

سپس رفیق لنین در جواب روشنفکرانی که سعی عملی خود را با این عنوان که (بخاطر سنگینی مطالب ایسکرا) نمی‌توان بین ایسکرا و توده‌ها پیوند برقرار کرد می‌گوید:

"... البته شما خواهید گفت غیر ممکن است بطور کلی غیر ممکن است مثلاً بین ایسکرا، محصول عمده ما و توده‌ها پیوند برقرار نمود... بعداً آنرا شنیده‌ام و همیشه جواب داده‌ام که این حرف درست نیست این حرف ظنرفتن، شانه زنی بر کار خالی کردن، نا توانی و راحت طلبی و میل به این است که اردک سرخ کرده خودش مستقیماً به سوی دهان ما پرواز کند. من اطلاع دارم که آدم‌های بادل وحشتی توانسته‌اند بین ایسکرا... توده‌های کارگران حتی کارگران عقب مانده و آموزش ندیده‌ای نظیر کارگران نواحی... پیوند برقرار کنند..."



رفقا برای ما نامه بفرستید. اسم مستعار و آدرس نامه‌ها بتان را فراموش نکنید...



بقیه از صفحه ۲
پرسش...

پس از تشکیل مجلس دوجناح که تعدادشان شدت سالا گرفته است نمی توانند بر سر تشکیل دولت به نتیجه برسند، بنی صدر کوشید تا پیشنهاد "سدا حمد خمینی" به عنوان نخست وزیر مخالفت خود را با حزب نشان دهد و از سوی دیگر حزب جمهوری اسلامی با پیشنهاد دجلال الدین فارسی که از مخالفین "خط بنی صدر" است کوشید "سازش نا پذیر" خود را بشیون رساند (همین مسئله از این لحاظ نیز بسیار قابل است که در حالیکه طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی انتخاب نخست وزیر در صلاحیت رئیس جمهور مجلس است، یک حزب پیشنهاد نخست وزیری میدهد!) و بهشتی حتی در مصاحبه ای مسئله امکان کناره رفتن بنی صدر را بطور تلویحی مطرح نمود. (۱)

در عین حال تا کید خمینی سر آس دوجناح (بدین صورت که سما بنده ای را برای انتخاب نخست وزیر نفرستاد و تا کند اسب که مسئله نخست وزیر مربوط به بنی صدر و مجلس است) و بیست و نهمی اخیرا و او مجلس و "رئیس جمهور" و "قوای استقامی"، آلت رنا تسو "سازش" را پس از آنکه جنگ و دعوا بین دوجناح فرا ردا ده است بنی صدر از موضع خود با ثبات تر آمده و توافقانی را می پذیرد:

★ ★ ★

مبارزه ای که سر سر حکومتی سرکوب دولت در کمره و رژیم جمهوری اسلامی را با این سبب رو بر رو است، بدون شک نه اولین و نه آخرین تنازحک قدرت در "بالا" بنوده و نخواهد بود، لکن اهمیت بسکند دولت از این لحاظ مشخص مسود (و حزب جمهوری اسلامی و با نداد و در همس را نه بیسرین نلاسه ارا کار مسود) که در یک دوره میزان قدرت هر کدام از جناحها را در قوه مجریه که ارگان تعیین کننده هیئت حاکمه است نشان میدهد، حزب جمهوری اسلامی تا کنون بر خسی از قوه اجرائی مسلط بوده است. (چهار دبا زندگی، کلمه ها، با ساداران و...) و آنچه که مسلم است در آینده نیز آنرا حفظ خواهد کرد، و اغلب مبارزه طبیعی و احکامی

(۱) - "با بدما گروه اسم و مشکل با سم و با ساد زمان و سادان داسنه با سیم با هما هکی و همگاری بیشتره مدان این مشکل سر ویم، ضمناً این جمله را به ملت عزیز عرض کنم انقلابها و فعلالستها از این مشکلات بپرسراه داردملت ما نترسد و دجلال دلپره نشود که لاچطور میشود. هیچ طور سیمینود. مدتی رئیس جمهور و مجلس با هم ساد دل نظرمیکنند و نشا الله با هدایت خدا و نندوسیمین او هر چه زود سربیک نظرس مشترک برسند. اگر خدا یا کرده اینها نظرمشترک نتوانند بر سادامت هست اما من نیز هست. ما در جریسان این انقلاب ما هر وقت به مشکل جدی برخورد میکنیم همان هما هکی قلبی و روحی است و ما مبرپا یه اسلام حل مسکرد" (جمهوری اسلامی - ۹ مرداد - تا کید از ما س)

بقیه از صفحه ۱۶
اعتصاب...

اعتراض به وضع بد زندانها و رفتار غیر انسانی با ساداران و زندانها نشان دست به اعتصاب غذا تروزند. از طرف دیگر خا نواد زندانها نشان سیاسی نیز در دفاع از زندان مبارز خود از روز ۵۹/۴/۲۹ در مقابل مرکز سبها با ساداران متخص شدند، آنها پلاکاردهائی با شعار "زندانی سیاسی آزاد بیا بگرد" و "ما خواهان آزادی فوری و بدون قند و شرط فرزندان خود هستیم" در دست داشتند. مردم مبارز و آگاه مسجد سلیمان به شیوه های مختلف با خانواده های زندانها نشان اعلام همبستگی کردند، این سخن بمدت سه روز ادامه داشت.

هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگری نیز به همین مناسبت و در دفاع از زندانها و همچنین محکوم کردن اعمال ضد مردمی رژیم اقدام به سرکزاری یک سری مستینگیهای موضعی در محله های مختلف شهر نمودند که با استقبال گرمی از طرف مردم روبرو شد. روز دوشنبه ۳۰ تیر اولین مستینک در محله سرکوره ها با شرکت بیش از چند صد تن از اهالی محله برگزار گردید، در این مراسم ابتدا منشی دربار ه وضع زندانها و زندانها نشان قرائت شد سپس یکی از ساداران زندانها نشان در رابطه با دستگیری فرزندان سخنرانی ایراد کرد، اوصی محکوم کردن اقدامات اخرسا ه با ساداران ار حمله گفت: "همین فرزندان ما و ما زحمکمان بودیم که رژیم ساداران را ساط کرد و ما لادسه دستبند ما را را سعاد "مدانقلاب" در همسار سادانهای ما را سیری کند و..."

★ ★ ★

بدینا ل تقابل با سوادده های ریدانی و سرکزاری مستینگی، ارتجاع با جارک سبب از زندانها نشان را آزاد کند، لکن مبارز برای آزادی دیگر زندانها همان اقدام دارد.

بقیه از صفحه ۵
خلقها...

بدینحال این درگیری، با ساداران ارتجاع که از این درگیری ناراحت بودند کتا بهانه جوانان انقلابی شهر را به آتش کشیدند.

● بوکان ۵۹/۵/۲

گلوله باران روستا و شهادت یک نوجوان

در این روز هلی کوپترهای جمهوری اسلامی روستای تکا نته را زیر کتا رتیر با رها نشان گرفتند در جریان این تیراندازیها یک نوجوان ۱۲ ساله هدف گلوله قرار گرفت و بعد از انتقال به بیمارستان به شهادت رسید، رژیم جمهوری اسلامی می خواهد با این وحشیگری ها خلق کرد را از خواستهای برحقش منصرف نماید، بی خبر از اینکه اراده یک خلق را با قتل عام آنان نمیتوان درهم شکست.

● تکاب ۵۹/۵/۱

تحریک تزلزل و کرد برای برادر کشی توسط رژیم

در مرحله جا شها و با ساداران ارتجاع به روسای احمد آبا دتکاب و سوزاندن خانه های این منطقه حدود یک ماه قبل صورت گرفته است عسده ای ر روستا نشان در بوکان و عده ای دیگر در روستاهای اطراف احمد آبا ده همان سرگردان و آوار همی باشد. سبها به کلمه عده ای ارای آبا رگان هشیت حاکم ترکیهای سکا با صلح کرده است حاکم سرک و کرد را سبها نداد و در همین لحاظ ۳۵۰ خا سوارا حد آبا ده بعد از حمله ساداران و جاسهای خود و مرصه جرات رفتن به سکا با راندا رسد و به بوکان و روسا های اطراف فرستاد. در حیران حمله مزدوران ۷-۸ سوارا اهالی از حمله سربرد ۱۲۰ ساله ای کسده است و مزدوران هشیت حاکم و حسگری خود را با کروکا بگری جدید ارا هالی روسا عنان بر سموده اند. "حبا رحمتش بنا و است"

دیکتا بوری ملامتی است، مکرر دست ما سبک است

این احزاب و دسته های کثیف دست بردارند (سخنان حزب اسلام غمنا ری، انقلاب اسلامی - ۵ مرداد)

در صورت تدرب گرفتن بیشتر حزب جمهوری اسلامی مرک محوم کل نظام جمهوری اسلامی را بر دستگیری سازد، این جریان از سوئی ارتجاعی برتن و قسرون وسطائی ترین روساها در سطح جامعه مطرح کرده و سبها مورد اجماعی کذا رد (سنگار کردن، حجاب احساری، جدا کردن زمان از مردان و...) که ما سوحده موصفت کنونی کمونیستها و نیروهای انقلابی ما سبک مسود شتر مرصه حربه بورژوازی جدید هر چه بیشتر سبب جریان فوق ارتجاعی بختیا رتما ییل پیدا کند. و از سوی دیگر با قتل عام و کشتار زحمکمان، خلقها و نیروهای انقلابی زمینه فروریختن هر چه بیشتر توهم شده های انقلابی نسبت به نظام حاکم را فراهم میکنند. در شرایط و جبور اعتلای انقلابی و سازمانهای انقلابی کمونیستی و دمکراتیک، اقشار و توده های جدا شده از هیئت حاکمه بسرعت خود را بیکی از دو جریان انقلابی و فوق ارتجاعی دستگیری میکنند، تقویت جنبه انقلاب و گسترش آن چون خاری در چشم هیئت حاکم میبورد، جنبه انقلاب در کردستان تحت رهبری نیروهای انقلابی کمونیستی اکنون چون دژی مستحکم در برابر صدف خلق که متشکل از هیئت حاکم جمهوری اسلامی و امپریالیسم است قهرمانان نه قدیرا فرشته است هیئت حاکم را سبها تلاق کشیده است.

پیکار

پقیه از صفحه ۱

جنبش...

تکامل کشورها را سرمایه‌داری پیشرفته به مرحله امپریالیسم نوحه‌عقب‌ماندگی نگاه اقتصادی - اجتماعی ایران در اوایل قرن هجدهم منجر به هجوم سبب ازس و خاندان سراندا از امپریالیست‌ها و در اس‌ها امپریالیست‌های روس‌نزاری و انگلیس به کشور ما گردید. فساد و بی‌سودگی سبب از حد دستگا‌ها شرافیت قاچاق ربه و با سراج‌های حکومت ملوک - الطوائفی زمینه را برای دستان‌های هرچه آسان‌تر دولتها را امپریالیستی انگلیس و روس به ایران فراهم میساخت. بطوریکه امپریالیست‌ها سبب‌دگی و با استفاده از وطن‌فروشی‌های پادشاهان قاچاق ربه موفق می‌شدند هرگونه امتیاز اقتصادی و سیاسی را بدست آورده و سفره‌غارت و چپاول خود را در میهن فقیر زده‌ها مستتراند اینگونه امتیازات اساساً رها رهم چون با رنگین‌پوش دوش‌دهقانان، زحمتکشان شهری، پیشه‌وران و تجار ایرانی تحمیل می‌شد و بنوعی خودمقاومت و مبارزه‌های را بر علیه نفوذ روزافزون امپریالیست‌ها و نیز بر علیه خودکامی فتواد و پادشاه وقت برمی‌گسیخت.

بورژوازی نحیف ایران که عمدتاً شامل بازرگانان و تجار می‌شد تا به مقامت در سرا بر هجوم سرمایه‌های امپریالیستی راندا شد. کوشش بخشی از سرمایه‌داران ایرانی به منظور ایجاد صنایع و کارخانجات و بنا به بناهای مستقل تجارته و مالی با سبک روس‌ها و میشد. لذا سرمایه‌های بورژوازی تجاری ایران بسبب از همه متوجه زمینداری و کشاورزی به‌شده‌های فتوادلی میگردید و اس‌ها عت خود امدن قدر بزرگی از ملاکان سوزوا می‌شد که پیوندهای محکمی با فتوادلیسم زیکسویا تجارت و بازرگانی ازسوی دیگر داشتند.

فقر و فلاکت ناشی از قحطی‌های مکرر سرسرد استتفا روحیانه فتوادلی و ملاکان از دهقانان زحمتکش ایرانی می‌افزود همچنین گسترش غارت و بهره‌کشی شرکت‌های خارجی امپریالیستی مناسبت اقتصادی و مسکنت توده‌های زحمتکش شهری و روستایی را چندانی میساخت. علاوه بر اینها مخرج سرآمد و دربار اشرافیت فتوادلی و دستگا‌های بوروکراتیک و نظامی پادشاهان قاچاق‌رو... همگی باعث ویرانی هر چه بیشتر اقتصاد فتوادلی ایران و در نتیجه گسترش نا رضایتی و اعتراضات توده‌های در سطح کشور میگردید تجار و بازرگانان که در اثر نفوذ و دخالت سرمایه‌های امپریالیستی شدیداً تحت فشار بودند و بسیاری از آنان در حال ورشکستگی می‌افتادند از اعتراضات و نا رضایتی‌های توده‌های سودجست و سعی در بدست گرفتن رهبری مبارزه و در اس همه زحمتکشان شهری می‌نمودند.

جنبشی قنبا کو نمودار آغاز دور جدید مبارزات ضد فتوادلی - ضد امپریالیستی

بذل و بخش‌های بیدریغ پادشاهان قاچاق ربه به دولتها را امپریالیستی منجر به اعطای امتیازات منحصرتجارت داخلی و خارجی توتون و تنباکوبه کمپانی "تالیوت" گردید که در سال ۱۲۶۹ شمسی توسط ناصرالدین شاه صورت گرفت. بر مبنای این امتیازات از این پس زارعی توتون در سرا سر کشور موظف می‌شدند تولید - ات خود را با بهائی که از طرف این شرکت خارجی تعیین می‌شد به شرکت تحویل دهند. در نتیجه با زرگانان

توتون و تنباکوبه نیز دهقانان و زارعیان این محصولات شدت متضرر شده به فلاح و ورشکستگی می‌افتادند. این واقعیه چون جرقه‌های خرم اعتراضات وسیع توده‌های را در سرا سر کشور شعله‌ور ساخت. مردم در تمام شهرهای بزرگ سانبه‌ها و طلاعیه‌های شرکت انگلیسی "تالیوت" را از دیوارها می‌کنند و بجای آنها علامه‌های مخفی و انقلابی را بر علیه امپریالیسم انگلیس و دولت ارتجاعی اتابک می‌چسباندند. برای اولین

● اگر چه همواره توده‌های زحمتکش نیروی عظیم جنبش را تشکیل می‌دادند اما در این دوره غالباً تجار، بازاریان و بازرگانان با مطرح کردن خواسته‌های نازلی که انجام آنرا از یادداشت‌ها داشتند، جنبش را در محدود و منافع طبقاتی خود لگام می‌زدند.



با رتظارا عظیمی در مقابل قصر ناصرالدین شاه انجام گرفت که توسط چکمه‌پوشان دریا ربه خون کشیده شد. جنبش اعتمادی مبارزه‌ران بسیاری از شهرها را فرا گرفت. در چنین شرایطی فتوادلی یکی از روحانیون وقت بنام میرزای شیرازی که استعمال تنباکوا را تحریم نمود تا شیراز را بی جنبش گذاشت، حتی کارشکنی سیدعبدالله بهبهانی می‌نمود و وقت که آشکارا با تحریم تنباکوبه مخالفت برخاست و در مقابل مردم قلیان کشید نتوانست جلوگیری از اعتراضات و تظارا توده‌های را سد کند.

سرا نجا گسترش امواج مبارزه توده‌ای و احساس خطر ناصرالدین شاه از او جگیری بیشتر آن او را به عقب نشینی در مقابل خواست توده‌ها واداشت و بناچار امتیازات منحصرتنباکوا را لغو کرد. اما جنبش با کوتنها به نگرش و نفرت عمیق توده‌ها از وضع

موجود بود و میثاق با آزادی و سببتر آنان بر علیه سلطه ارتجاع و استبداد داخلی و بر علیه نفوذ و سلطه روزافزون بیگانگان بشما ر میرفت. به همین جهت پیروزی مردم در امر لغو امتیازات منحصرتنباکوا می‌توانست توفیق جنبش توده‌های را بدنبال داشته باشد. بخصوص اینکه ملاقا طله دولت انگلیس بعنوان غرامت امتیازات بر شرکت جنوب را در اختیار گرفت و همچنان دولتها را امپریالیستی تسلط خود را بر ایران افزایش می‌دادند.

ناصرالدین شاه که شاهدا و جگیری جنبش بعد از عقب نشینی در مقابل جنبش تنباکوبه در کارها همچون تمام رژیمهای فداخلقی در اتکا به هر چه بیشتر بر سر نیزه و بشدیدا فشا و روعقان دید، اما افزایش کشتار و حنا بیات شاه گسترش مبارزه مردم را در پی داشت. بالاخره در اردیبهشت ماه سال ۱۲۷۵ ناصرالدین شاه بدست میرزا رضای کرمانی کشته شد و بسزای حنا بیات بشما خود رسید. پس از او سرش مظفرا الدین شاه عیاش تحت سلطنتش را تصاحب نمود.

مظفرا الدین شاه طبعاً معمول پادشاهان قبلی حنا بیات پدرش را دنبال نمود و به غارت و سرکوب ر حیمتکشان و دهقانان کشور همت گماشت. او که شخصی هوسا زو حوسگداری بود اقدام به مسافرت به اروپا نمود. برای نامس مخرج اس سفر سلطنتی بودن حنا به ملک با گروگدا سن گمرکات شمال و ام‌هنگامی اردولت روسیه را در مسافرت نمود تا صرف عتسهای خود در حنا به مسافرت. به فاطمه کونا هی سعادر آن مجددا رهسپار اروپا نمود و راهم با سگ و سر مخرج او وام دیگری از دولت روس در حوا سب نمود. اس استراحت‌های بی درسی از دولت روس باعث تشدید اعراضات توده‌های گردید و وسط هرات مردم را در ساری ارمانا ط کسور برمی‌انگیخت.

واسگی روزافزون اصفا دگسور به دولتی‌های امپریالیستی، ورشکستگی سبب سربازگانان و سرمایه‌داران ایرانی از بگرفت و معرود بحسب توده‌های محروم دهقان و رعمسکان و پیشه‌وران شهری ازسوی دیگر را بدنبال داشت. در نتیجه مردم بر علیه فقر و ستمگری و بر علیه تجار و زارعی و استبداد داخلی بهیامخوا سندن و اعتراضات خود را ابتدا به صورت خواسته‌های نظیر برکناری اتابک از پست وزارت به ظهور میرسانیدند. مظفرا الدین شاه تحت فشار توده‌ها ناگزیر شد تا بگزار از نخست‌وزیری عزل کند اما بجای وی عین الدوله مرتجع از مهره‌های سرسپرده انگلیس را بر سر کار گماشت. توده‌ها همچنان بر شدت مبارزه‌ها فداستبدادی - فدا امپریالیستی خود می‌افزودند.

اجتماعات و تظارا ت بسیار بر علیه عین الدوله مرتجع بوقوع پیوست. این اعتراضات بتدریج سرتا سر کشور را می‌پوشانید. تا جایی که شخصی نظیر سیدعبدالله بهبهانی که علناً در مقابل جنبش تنباکوا و بر علیه توده‌ها ایستاده بود نیز بخاطر دوستی و نزدیکی با اتابک معزول به جگره مخالفین عین الدوله پیوست و سعی نمود تا با بهیای سا بیرو حنا نیون بزرگ و سازشکار نظیر سید محمد طباطبائی و ابالیبرال - اشراف‌های چون تقی زاده بر امواج مبارزه توده‌های سوار شده و جنبش را در حده منافع حقیر خود مهار کنند.

اگر چه همواره توده‌های زحمتکش نیروی عظیم جنبش را تشکیل می‌دادند اما در این دوره غالباً تجار بازاریان و بازرگانان با مطرح کردن خواسته‌های نازلی که انجام آنرا از یادداشت‌ها داشتند، جنبش

گزارشی از مبارزات دهقانان روستای "نصیرآباد" دولت "عدل" اسلامی از منافع آنها دفاع میکند یا از منافع دهقانان

اموال وی "دهرا ترک" میگوید. بعد از نرسن با سکا ده
حقی تمام "تعداد" اردوستان محمی جان ما سور
رسدگی مسودا وظی تک سحرانی بددهقانان میگوید:
"من دستور کرسی اموال جان ارجا و حقی اچاره
بدکلولدسین ارکوبهانی چندسارادارم".

یکی از دهقانان کداس محسنیای اورا غلط
کرده بود برای انصای او شروع بدحرر میگوید "تعداد"
سوارا را او کوریدیدون بسجده دهرا ترک میکند.

سوارا سکا بددهقانان بدبرگسا دبا سدا را ان
سرا سگند و حقی در آنجا سادا را ان با سریب داد ان
تک نما حدقلانی و دریب دهقانان با اس بول کسه
نما حدآسان را ارادسوحن خوا همد کرد. آتیا را
بستری می کند.

جان بددهرا تعداد وحدژا سدا ارم دوسا ره ده
آندوه ۸۰۰ را س کوبیدرا سرورا دهقانان می کسید.
سوارا ان جان کجک عوایل خودسا رها دهقانان
رحمکن را موردا را رتراری می دهدا ما دهقانان مناوم
سودوسرای رسدگی بسومع دهدهترا ساداری ادا رد
سماع طسمی واخلاجات ارضی مراحد میسکند. در آخر
سروید در احسارها دکا ده اذلاخ انقلاب سربرو ازار
می کسید. دادکا دوسوا ردهقانان رحمکن سوارا

سما مینای "تربا علی" مرجانی "۷۰ ساله" محسوب
چیا کسری "۵۵ ساله" اندیا بدحرک و انسا ان احاد
کردن و جان را سرچید اس اس اطحه برسان سادازده
اکسون حدوده سدا کسه دهقانان رحمکن
سلاکت برردان سرمی سید. دهقانان ده "بصیر
آباد" سربرای آرای دی دوسور سادی در اس ساداری
دست به محض سرسید. طقی آجرس حیر رسده آتیا سا
زور ۵۹/۲/۲۹ در اس ساداری متحنی سوده اند.

ده "نصیرآباد" اربواع "سرا سگند" هسرود در
آدرما جان سرمی دارای ۳۰۰ خا سوارا س. در سالیهای
۴۲- ۱۳۴۳، حقی تمام "تغیوت روحی" جان بددهر سنیای
مزعوب دهقانان را نص و بستر مسیای خرده ما لکن
زاد حرا کا دکوسعدا س تبدیل میکند. بعد از تمام
سینس ما دهقانان بدعلت سوحسان بسبب بددولت
و روحانیت خود را با تصمیم کورید برای احتضانی
حنوق خود سدا ساداری سادا ساداران و کمیسند
سرا سگند سکا بسکند ما هجکده ما ارا رکا سنیای
بدگورید حواسنیای آمان رسدگی نمی کند.

اولیل فروردین ۵۹ یکی از حوس سنیان ده
تسمی ارم سنیای جان را بصورت کورید و شروع بدکت
میکند. اس عمل حرکت حدیدی را در دهدهان س سرسید
سما دهقانان رصنیای جان را در احسار خود کورید
و آتیا را س خود بسیم میکند. آتیا در سکا رسا
نما و سب ملحا سدا ان و سادرس مواحه سوسود وظی تک
در کسری دوسوا ردهقانان رحمکن سما مینای جان علی
مرجانی "و" ارسد محمودی "رحمی" مسود. دهقانان سا
دندن ان وضع حکن سده و سبیرل جان حلهه میسکند
جان و نما لکن محسورید ترا رسود و دهقانان سسر
اموال ۷۰۰ را س کوبید جان را سسای سس حسود
بسیم میکند.

آتیا برای طوکسری ارحلهه محددهان بد "دادکا ده
انقلاب" و اس ساداری سکا بسکند ارضی حسان
سری سکا سنی ادهقانان ادعای حیارب میکند.
رنسنا سکا دهدهکسا لیا دهقانان ظلم کرده ما سور
رسدگی سدا س نکات مسودا ما غلط انصاری سده
دهقانان سدا سور سدا و س ارسید کراسی سنی س
"خلهه ملحا سدهقانان سدا کسه معنوب جان و حسا ول

را در محدوده منافع طبقاتی خود لکام میزند. عدل سده
سوه های منالمت آتیمنا رره همچون سب سستی و
بحسن سجد سلط بحار، ملاکان لیسرال و سارکانان
سورگ سحرکا با اعترافی سوده ها سده. سب سستی
سردک سده چا رده هر ارس ارسا را ران، کسید و
سارکانان در سوارا سکل سکی ارسا کسکی سنیای
سارکا را سدا س انصا رسود.

مردم در ادا ده مبارزات انقلابی خود خواهان
سورکاری عن الدوله و اراج "سور" سسار سلیزکی
اچرای عدالت احصای و سرتک در سوس سسای
خود رسود. بظفر اندی سدها سار رسد در مقابل رسد
حسین سوده ای غیب سستی کرده عن الدوله را
سکا رسا سدا. انا بدسورمان آن کده سده سده سوا ان
سما سعوس سیره ها و سدا اخلاجات حرثی بظنر سسستی
"عدالتخانه" سماع از کسرس حرکا با اختلافی سوده ها
کرده.

صدور فرمان مشروطیت، عقب نشینی بزرگ ارتجاع در برابر جنبش خلق

با لاجره سدا و مو و حکسری سارا با سوده ها سرتلسد
اسدا ادا حلی و سلطه چارجی، ارجاع را ناچار ساحت
سما بدسرس حکومت مشروطه و سکل محلس ساسدگان
برجی از اسار و طبقات حلی تک کا مدسک در مقابل
انقلاب عقب سستی کند. امضای فرمان مشروطیت
در چها رده هم مرداد سال ۱۳۸۵ در واقع سما سکر و حقت
ارجاع ارا انقلاب و حکسری سوده ای سده. اس واقع
تاریخی سکا رسد سحر حلی رسدده سارا را سده سروری
لاسرال حوس بسوحما س. صدور فرمان مشروطیت سر
سنا سب هج ساسر حدی سکا سنی انقلابی
چا معده سسرسوا حی اسرا و سحوس آدرما جان و
کسلا و سوا حی سال کسور را در سرتک رسود. سکا رسد.
مگر اسکا حدودی مررسندی طبقاتی سمان مشروطه
خواهان و سسا سزا سکا رمان حیده انقلاب از سکترب و
ساز سکا ران و اصلاح طلسان را از طرف سکر سسما سس
بگذارد.

محلس اول متشکل از اشراف فئودال، سچسار،
ملاکس سورژوا، روحانسون و تعداد محدودی بسدهوران
و کاسرمان سدا از امضای فرمان مشروطیت تشکسل
شد. از مهمترس و سژی اسن محلس آن سده کسلسا س
آن در حضور عا مو سب سرتک آزادا سنا و طبقات مختلف
خلق تشکیل میشد. بطوریکه سنا سنا حسان فعالانده
در بحث های آن نیز سرتک مبرک رسد. همین و سژی سکی
مزید بر حضور معدود سنا بندگان بسدهوران، اصناف و
تجا رکوچک و متوسط سبب تصویب بعضی قوانین سس
فئودالی نظیر لیسرالیول داری توسط مجلس اول
گردید. انکسا سواقیع و بسشهای درون مجلس کسه
بوسلیه برجی از جراید انشاری می یافت هر چه بسشتر
توجه سوده های زحمتکش شهری را بسوی سیاست و انقلاب
جلب می نمود و بسه نوبه خود بر میزان آگاهی سوده ها
می افزود.

همزمان با تشکیل مجلس در تهران، بتدریج و با
تعمیق جنبش انقلابی ایران انجمن های سوده ای در
بسیاری از شهرهای ایران و از جمله در تبریز که از
پتانسیل بالای انقلابی برخوردار رسود رسود آمدند.
این انجمن ها تبلور قدرت سوده ای (اکثرا تجا رکوچک
اصناف خرده بورژوازی شهری) در مقابل قدرت رسمی
دولتی بسما مریرقتند. انجمن های مردمی همچون
خاری در چشمان ساز سکا ران بسما مریرقت. آنها سکی

که مشروطه خواهی را سنا وسطه ای برای سرتک در
تدرت حدقلنی و سمان سماع طبقاتی خود سسار می-
آوردند. سدم قانن اساسی کده در واقع سماطلی
قانن اساسی مشروطه سسار مریرقت در سربسشهاد
انجمن سبریز مطرح سده و س آن سمان هر چه سشتر
سماع اقسار و طبقات سنا سشتر مردم رسود. اما روحانسون
ساز سکا ری همچون آیت الله بسبب سنی و آیت الله
طبا طبا شی و سنا سیدکان فئودالها و تجا ر بزرگ کسه
سماع طبقاتی خود را در خطر می دیدند سنا سنا از تنظیم
موادی سندنکه هر چند بطور محدود، سماع سوده های
وسیعتری از خلق را در برداشته باشد. در عوس سس
بسشهاد در حاسی مرتجع و درباری شیخ فضل الله
شوری که از نزدیکان معدودا تا بک بودا صلی در متمم
قانن اساسی گنجانده سده که بر طبق آن بک گروه ۵
شغری از مجتهدین وقت می بسبست کلید قوانین-
مصوبه مجلس را تا سدا بسوا موازین شرعی وفق دهقانان
اصل نفوذ روحانسون بزرگ را بسبب از بسبب در قسوه
قاننگذاری کشور تا مین میگرد. شیخ فضل الله شوری
روحانی مرتجع بود که مشروطه طلبی را مفا بر سنا
توازین اسلامی "قلعه" دشمنه و حکومت "مشروع" را به
جای مشروطه بسشهاد دمیکرد.

مظفرالدین شاه سنا از امضای قانن اساسی
مصوبه مجلس در گذشت و بسجای وی ولیمهدا و محمدعلی
میرزا بر تخت پادشاهی سگیده. این شخص از همان
روزهای آخر حکومت پدیر کینه عظیم خود را بر علیه جنبش
مشروطه و مجلس وقانن اساسی نشان داده رسود.

حسین همچنان ادا مضافت و از اس بس انقلابیون
رهبری جسس را از جنگ روحانسون سازتکار و ملاکان لیسرال
سرون می آوردند. در سربزرهبری اسحن سوده ای
را "تجا کزغیبی" که انقلابان سنا سدا ری چون حدرمعو
اوغلی کمونسب دلاور آن زمان، علی موسو، حاج علی
دوا فروس، صدنیانی و... آتیا ادا ره مبرک رسد در سب
خود کورنده رسود. کمکیهای بسدریخ انقلابیون قفقازی و
کمونسبتهای روسی به آزادمخواهان اسرانی سنا سرت
شکری در اوضاع انقلابی شمال اسرا در آذربایجان
و کیلان برجای می گذاشت. بسباری از انقلابیون
روسی مستقیما در مبارزات سدا سنا سنا سنا
سرتک سسته و از فعالین سده های مجا هودفدا سکی
بسما رمی رفتند.

جنبش اوچک رسددهقانان سرتوان انقلابی سنی
می افزود. اما با بسپا س و تکامل جنبش جوان کاسری
که همزمان با جنبش مشروطه با به عرصه رسود می گذاشت
اهمیت سنا سنا و تعیین کسندده مبارزات کاسری سس
اشبات میرسید. بطوریکه اعتبارات متعددی که در سال
۱۳۸۵ و سنا از آن در بسشهاد شی نظیر چا پخانه ها، کورجی-
رانان و بسا در میان کاسرمانان جز تلگرافخانه بسوق
بسوست بساعت وحشت عمیق ارتجاع گردید. تسلیم فوری
در بسا در مقابل درخواسته های صنفی کاسرمانان اعتباری
تلگراف دردی ماه ۱۳۸۵ که تعداد اعتباری بسنا سنا سنا
۱۶۱۰۰ نفر میرسید سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
جنبش زحمتکشان رسود.

(ادامه دارد)

بقیه از صفحه ۱

آری ...

جهت عادی شدن روابط بین آمریکا و ایران و ... در آمده بود، از سرآرژوی مرگش را داشت و چه بسا هم او بوده که ما را با مرگ هم غوش کرد. و به همین لحاظ هم مطمئناً نه تنها در مرگ سوگردیرینه و وفا دارش اشک نریخت بلکه شادی نیز کرد. از طرف دیگر جناح "لیبرالها" در رژیم جمهوری اسلامی هم از مرگ شاه بسیار مسرور و خوشحال شدند چرا که مرگ شاه مزدور برای آنها نیز نبود گامی به پیش در جهت عادی کردن روابط ایران با آمریکا است. البته ممکن است حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی و عوانشان از مرگ شاه ناراحت شده باشند. آنهم بدین خاطر که آنها یک حربه مهم برای فریب توده‌ها و راه انداختن هیاهوی "فدا میرا لبستی" را از دست داده‌اند. اما در این میان، این نیروهای انقلابی و توده‌ها از زحمتکش هستند که برآستی از مرگ شاه و جناح بتکار، دشمن دیرینه و خونخوارشان نداشتند. آنهم بخاطر اینکه یکی از دشمنان از زمین رفته است. دشمنی که سمبل ۲۵۰۰ سال زورگوئی، استعمار و جنایت و خیاالت بوده است. البته نکته مهمی در اینجا وجود آریو آن این است که شادی توده‌ها در آریو مرگ شاه در قیاس با فرار شاه بسیار کم و کونا بود. این امر اگر یکی از دلایلی مرگ سیاسی شاه و عدم خورزنده شدن دوزنگی توده‌ها بوده باشد، دلیل دیگر و مهمتر بر دلسردی توده‌ها از زحمتکش و ستمدیده خلق آریو رژیم جمهوری اسلامی است که این دلسردی خود را در آریو آریو و در نشتن خواستهای توده‌ها را در سلاب نیاسد. توده‌ها می بینند که شاه با بر علیه رژیم‌ها و آریو با آن امپریالیست مبارزه کرده‌اند و در آن مبارزه سجدای بسیاری داده‌اند اما ما مورد دست خودمان ناسد، تا خودمان در تصمیم گیریها حضور فعال و تعیین کننده داشته‌ایم. مبارزه آنها فقط بر علیه شاه و توده‌هاست مبارزه آنها بر علیه سیستمی بوده است که شاه مزدور و رژیم حامی آن بوده‌اند. ولی اکنون که شاه هدهه میکند رژیم جمهوری اسلامی حمایت از نظام سرما یه داری و ایسترا سمیده گرفته و با تمام قدرت خود بیسه با زاری این نظام مبارزه کرده است. دیگر مرگ شاه جلاد آنتور که با آنها را ناسد نمیکنند. چرا که مرگ شاه را ملازم همراه با مرگ سیستم مورد حمایت شاه نمی بینند همین دلیل و با این اعتقاد که با مرگ شاه خاستن مبارزه‌ها یا ن نیافته است و به مبارزه خود ادامه میدهد. آری، توده‌ها به مبارزه خود ادامه میدهند زیرا با تمام وجود خود لمس کرده‌اند که شاه امپریالیست آمریکایی ایران و منطقه بیرون رفته است، نه سرما یه داری و ایست که شاه حامی و پادشاه آن بود تا بوده شده است و نه به نظام استعمار و بیهره گشی مدممجدی و تعیین کننده ای رسیده است. کارگران و توده‌ها از زحمتکش و ستمدیده خلق می بینند که هنوز امپریالیستها در ایران فعالند. هنوز سیستم سرما یه داری و ایست با برجاست. و رژیم جمهوری اسلامی به با زاری آن بردا خسته است. هنوز ... بنا بر این مبارزه خود ادامه میدهد. و این مبارزه تا نبودی نظام سرما یه داری و ایست و کلیه حامیان آن بیرون راندن تمامی امپریالیستها و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری پرولتاریا ادامه خواهد یافت

بنا سبت هشتاد و پنجمین سالگرد گذشت فردریک انگلس:

آموزگاران زحمتکشان هرگز نمی میرند

هشتاد و پنج سال پیش خاکستر جدیدی از رهبران پرولتاریای جهان فردریک انگلس، دوست و همسرزم ما رگس به دریا ریخته شد. اکنون نزدیک به یک قرن است که آموزشهای جاویدان ما رگس و انگلس همچون مشعلی فروزان بر تار و پودر ریکترین زوایای مبارزات خونبار و پیاپی نا پذیر زحمتکشان علیه سیستم سرمایه، این خصم آشتی نا پذیر بشریت، بر تو افکنده و چون قطب نمائی در دست طبقه کارگر در راه آزادی و برابری و در راه محو و نابودی تمامی یلیدیهایی سرمایه داری بکار گرفته میشود.

فردریک انگلس یک نابغه بزرگ بود. اما نبوغ و روشن بینی او که از تحلل درخشانش از سیرتاریخ بشریت بطور اعم نقش دوران ساز طبقه کارگر بر طور اخص متبلور گردیده و یک سیستم نگارش علمی برجیسان و جامعه را بنیان نهاده است. جدا از آن شرایطی که این نابغه بزرگ و هم چنین ما رگس در آن سزستند، نمی توانست برآورده شود.

بدون آموزشهای ما رگس و انگلس، سرمایه جمع - سدی از تمامی دسا وردهای بشریت در زمینهای محصل علوم صورت گرفت که اغلابت صنعتی و اجتماعی آریو کارگزاران و سوزوئی و لاجرم تندیسد اسپیا روح و دسا دهای طبعی را لزوم پیدا کنند و رهنه‌های لازم برای بدو آریو فرا هم ساخته شود.

انگلس همانند همزمن ما رگس با سوغ تگرف خویش تمامی این دسا وردها را فرا گرفت و با عشق

اعتصاب غذای زندانیان
تحصن خانواده‌ها و میتینگهای
موضعی در مسجد سلیمان

دامنه دستگیری عناصر مبارز و انقلابی در مسجد سلیمان روز بروز گسترده تر میشود. اکنون دهها تن از جوانان مبارزانین شهر در زندان سپاه پاسداران بسر می برند. رژیم جمهوری اسلامی که همواره خود را بدوغ مدافع حقوق انسانی و با اصطلاح معنویت معرفی می کند، افراد را بدون هیچگونه دلیلی بازداشت میکند و مدتها زندانیان را در بلا تکللیفی و در بسیاری موارد بدون ملاقات در بدترین شرایط زیستی به بند میگذارد. این روش پسنده و اسلامی "جمهوری اسلامی" در مسجد سلیمان نیز بیخوبی اعمال میشود.

روز ۵۹/۴/۲۲ زندانیان سیاسی مسجد سلیمان در بقیه در صفحه ۱۳

مختصر شد:

تئوری زهن سنگان در مورد ساخت جامعه و آریو یابی از خرده بورژوازی



سرشاری که به زحمتکشان داشت، فعالانه در مبارزات اجتماعی شرکت نمود و سخنرانیها را علاوه بر سفر آن سخت دنبال کرد. فلسفه علمی در واقع حاصل بلغمی این مبارزات و آریو سده‌ها سده شورک نبود. انگلس هم‌دو با ما رگس در سده‌های حسیه‌های مبارزات انقلابی که در آن زمان در اروپا سلطه و رونق، سرکس داشت. او با سلاح بدستی گرفت و در حسیه‌های جنگید، در سده‌های زماندهی مبارزات کارگران نقش فعالی داشت قلم در دست او و ما بس از هزاران اسلحه قدرت آتش داشت. وی با تمامی اندیشه‌های که حاصل انحرافات در جهت و سوزوئی بود با حسیه‌های جنگید. آثار درخشانیهی همچون "آنتی دورسنگ" حاصل این مبارزات پسگیر است. "اتحادیه کمونیستها" و "بین الملل اول" سنا به مجمع کمونیستها و سکان هدایت مبارزات زحمتکشان در سراسر جهان، نیز یکی از عرصه‌های مهم مبارزات ما رگس و انگلس بود و سراسر زندگی بر بارش را وقف تحقیق آن ایده‌های درخشانیهی خود که خود را با به گذارانش بود. ایده‌هایی که در "مانیفست کمونیست" تا نبودی محتوم سرمایه داری و ما لیکب خصوصی را برآر تولید را با فریادی رسا اعلام نمود. او بر آستی تمامی استعداد، نبوغ و جان ما به خود را در این راه مبارزات گذاشت. و سراسر ماجمدهتایس از هدایت "بین الملل اول" هنگامی که سرگرم تدوین تاریخ "بین الملل اول" و جمع بندی آن بود، برآ شریما ری سختی که نتیجه فرسودگی و رنج شبانه روزی ناشی از تلاش مستمر وی بود، از یاد او نماند.

او پیش از مرگ خواسته بود که جسدش را بسوزانند و خاکسترش را به دریا بپریزند. اینکار از آن خاکستر، شعله‌ها برمی خیزد و آتش پرفروغ انقلابات کارگری از آن توش و توان میگردد. آشتی که ستمگران و طبقات میرنده را در خودخواه دسوخ و گلستان بشریت آزاد و برآ بر تحت حاکمیت طبقه کارگر از درون شعله‌های آن سر برخواهد کشید. "بگذار طبقات حاکم از اندیشه انقلاب کمونیستی بر خود بپریزند!"

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

تئوری رزمندگان در مورد ساخت جامعه و ارزیابی از خرده بورژوازی

سال دوم - دوشنبه ۱۳ تیر ۱۳۵۹ بهار ۱۰۰ ریال

رزمندگان هم می‌دانست که خرده بورژوازی سرکشی سیاسی در جامعه سرمایه‌داری نیست که اهداف سیاسی دارد. بلکه سرکشی سیاسی در جامعه سرمایه‌داری است که در صورت امکان با سرمایه‌داری مبارزه می‌کند. این مبارزه را می‌توان در سطح ملی یا بین‌المللی دنبال کرد. این مبارزه را می‌توان در سطح ملی یا بین‌المللی دنبال کرد. این مبارزه را می‌توان در سطح ملی یا بین‌المللی دنبال کرد.

قرار دارد، هم در برابر سرمایه‌داری و هم در برابر خود بورژوازی قرار دارد. ما این خرده بورژوازی را بطور مشخص در جامعه دووحدت با بورژوازی بررسی می‌کنیم و این نکته اساسی را بنویسیم. در حیطه ستم‌های تحلیلی ماست. (ارزمندگان شماره ۲ صفحه ۲ تا کنده‌ها ما است.)

ما در مقاله قبل در زمینه پیکار ۶۲ شش‌سوی رزمندگان در مورد ساخت جامعه و جگجگی علسسه و استقرار سرمایه‌داری در ایران را محصورا مورد بررسی انتقادی قرار دادیم. در اینجا بحث ارزیابی رزمندگان را در مورد عصب و مواضع خرده بورژوازی در جامعه سرمایه‌داری و مسئله‌های شعوری سه‌روسکسی آنان تا قبل از زمان ما مورد بررسی قرار میدهم و در ادامه آن به سرخوردن آنان به وضعیت سیاسی و مواضع نیروهای سیاسی - اجتماعی تحت شرایط خاص (بسی از قام) میپردازیم.
دیدگاه‌های نحرافی "رزمندگان" نسبت به جگجگی استقرار سرمایه‌داری و استدلال‌ها، مکانیسم‌ها ساخت و نقش وابستگی در آن، دژتند و موجود در ارزیابی از روابط طبقات و فشار مختلف جامعه، شرایط آنان با ساخت سرمایه‌داری وابسته و صف بندی انقلاب و صد انقلاب تعمیق گشته و گرایشات تروسکسی این رفقا با وضوح بیشتری نمایان میگردند.

● عملکرد سرمایه‌های در کشورهای تحت سلطه و نشا در اورا فزون آن برای گس سود فوق العاده است. این کشورها میگردند که این امر در ترکیب با کوشش بورژوازی خودی این کشورها است. یکه در آنجا تحت سلطه است سرمایه‌داری وابسته این کشورها است. در حقیقت سرمایه‌داری وابسته این کشورها است. در حقیقت سرمایه‌داری وابسته این کشورها است.

به این طب بررسی می‌کنند و آنجا مدعی است که تحلیل صحیح شرایط محصل و ارزیابی دال لکنکی از آن بدست داده است؟ ما می‌توانیم و وحدت و وحدت همان خرده بورژوازی با سرمایه‌داری وابسته را می‌توانیم بررسی کنیم و ارزیابی وابسته‌ها را می‌توانیم بررسی کنیم. دوره مشخص کما محصل آن غالب بوده و حال کما محصل آن غالب است؟ "رزمندگان" در مورد شرایط با سخن می‌دهند "در شرایط ایران"، اما متوجه نیستند که شرایطی که در آن حاکم است، اساسا و اساسا می‌تواند مکرر طول زمان و بیرونه مکانی حاصفاً این شرایط در دژتندگویی بدهد و می‌سود؟ البته "رزمندگان" در مورد سخی از این سئوالات (و سایر سئوالها) پاسخ‌هایی داده است، اما کماکان با سخی‌های لطافتی، مبهم و بدینولو (که بعداً در آنها خواهم پرداخت). اما جزی که در حال حاضر اهمیت به مراتب بیشتری دارد و مسئله کلیدی برای ساخت بدنه "رزمندگان" بدنه خرده بورژوازی است، مسای تحلیل "رزمندگان" است. براساس این معنا، خرده بورژوازی مرته‌سسی (که البته بعداً در تحلیل رزمندگان تبدیل به خرده بورژوازی سسی در کل مسود) و بورژوازی در حیطه ستم‌سعی سرمایه‌داری وابسته‌ها می‌توانیم بحث داشته‌ها. اما مضمون این وحدت برای حیطه ستم حکومتی؟ "رزمندگان" می‌گویند:

"همه ما نحوی مدانیم که بورژوازی را از آنجا خواهد حفظ ستم سرمایه‌داری و وابسته در حقیقت خوب روند - های عمومی و مساعره‌ها نه هستند، آنها اساسا این تفاوت که می‌خواهد ستم‌سعی ارزیابار بولند سرمایه‌داری را از صورت بند و آن غارت کریجی آنگاه رو و عصبه دور مانده‌ها کما محصل و در اسکا آروم‌سعی! اما همانند "رزمندگان" شماره ۲ صفحه ۲ تا کنده‌ها ما است."

بسی از هر چیزی که پیش سوده موجود و تحلیل مسایل بطور کلی ما درست و آشکارا گردنا لکنکی است، چرا که سوده تحلیل دال لکنکی سسی سرکشی هغه‌ها سیدند و بدین شرایط مسایل بدنه مورد بررسی با ما می‌دهند و آنرا یک سوئی‌ها را می‌توانیم در حرکت و بیرونه مکانی آن است. بدین ستم که تحلیل حرکت جامعه و طبقات تحریفی بواند از این فاعده سستی باشد. اثر "رزمندگان" که بعداً است که خرده بورژوازی مرته‌سسی در وحدت و وحدت این ستم و بورژوازی وابسته قرار دارد و اگر متوجه‌ها "اس خرده بورژوازی را بطور مشخص در نما دووحدت با بورژوازی" بررسی کند، این جگجوه است که فقط "وحدت اس خرده بورژوازی و بورژوازی در حیطه ستم‌سعی تحلیل آنها قرار می‌گیرد؟

دلیل اینکه "رزمندگان" مسای تحلیل خود را خرده بورژوازی مرته‌سسی را با ما سروهت اس خرده بورژوازی با بورژوازی وابسته قرار می‌دهند چری نیستی ارزیابی از روابط طبقاتی در ساخت سرمایه‌داری وابسته ایران نادیده‌ها و شعوری سسته سروسکسی است نیست، چرا که در جامعه سرمایه‌داری ایران که با سگری رزمندگان با شکل خودی‌وو دنا ستم مستقل خود در جامعه غلبه یافته و مستر شده ولی به لحاظ وحدت با سرمایه‌داری جهانی وابسته به نظام سرمایه‌داری امپریالیستی شده، خرده بورژوازی دارای وحدت با بورژوازی در حیطه ستم‌سعی با سده حبه وحدت آن غالب است. در غرضاً بصورت اگر رزمندگان به نمادی که می‌گویند و عصبه اعتقاد دارد و این مسئله را فقط برای اینکه جزی گفته‌ها بدین طرح نمی‌کند، پس چرا همانا وحدت و وحدت همانا خرده بورژوازی و بورژوازی مسای تحلیل واقع نمی‌سود؟ و اصولاً عصبه مورد بحث سرچشمه؟ گفته‌ها را اس اگر

دیدیم که "رزمندگان" که چه سرمایه‌داری وابسته و "خضورا رگنیکا امیرا لیسیم" محبت می‌کنند اما اساساً ساخت اقتصاد - اجتماعی ایران را به سرمایه‌داری وابسته سرمایه‌داری مستقل می‌بیند و درکی که از عملکرد سرمایه‌های امپریالیستی و جناح اس عملکرد در ساخت سرمایه‌داری ایران دارد با جه حصد ناقص و نحرافی است و از ابرو و عصب نیست که ارزیابی از روابط طبقاتی ما درست و لزوماً استنتاجات سیاسی از این نحرافی باشد.

ما در زمینه پیکار ۶۲ ارزیابی رزمندگان از طیف بورژوازی ایران در ساخت سرمایه‌داری وابسته سسی بیرونی کل این طیف‌ها امیرا لیسیم (با همان مفهومی که رزمندگان ارواسگی دارد) محصورا بر خورد کردیم. در اینجا ارزیابی "رزمندگان" از موقعیت اجتماعی - اجتماعی و نفس‌اصا مختلف خرده بورژوازی را در این انقلاب دنگرا سیک خاص مورد بررسی قرار میدهم.

در حقیقت سرخورد "رزمندگان" به خرده بورژوازی آشنه‌ها مساعی از آن احرافات "جپی" است که قبلاً شده‌ها از آنرا رگو کردیم ولی برای اینکه آنها عصبی ترنه‌ها سم، بی‌بیتیم خودا این رفقا چه می‌گویند:
"رزمندگان می‌سود": "خرده بورژوازی مرته‌سسی سانه موقعیت انصاف‌س، یعنی اینکه ارسوی در مزمندان خرده بورژوازی و بورژوازی کوچک‌ها را ردا و ارسوی دیگرا اصولا با سرمایه‌داری وابسته‌ها امیرا لیسیم و بورژوازی وابسته در شرایط آنرا در نما دووحدت

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

تسوا م اس ما راب خردهورژواری سزغلبه
قدرت سیاسی حاکم ورندوسوعسا صدوبرآ مدیدامکند.
واین مسارزه خردهورژواری سسی برحلاف
نظرزمنندگان آسا ساهسعلت "پاشن آمدن سرخ رسد
اقصا دی خردهورژواری سنتی" بلکه مسارزه ساری
بقا وطلوگری ازورسکسکی ومقابلسا سم وحقصر
همه حانه ارحا عی قدرت حاکم است .

تئوری رزمندگان در ارزیابی از خردهورژواری مدرن :

رزمندگان غلبه بر خوردش خردهورژواری

● برای س تئوری رزمندگان در باره ساخت سرمایه در ایران ، خردهورژواری مرفه سنتی ،
بعد از غلبه و استقرار شیوه تولید سرمایه در ایران و از همان سالها (۴۱) به نظر آید که جنبه
وحدت آن با سرمایه در ایران و وابسته به امپریالیسم بورژوازی نسبت به تفاد آن عمده بوده است .

سنتی، در مورد خردهورژواری مدرن بدون تکیه بر
تجارب زلاله های مختلف آن آنها را به خردهورژواری
سنتی فقیر نزدیک کرده و صدمیت ایندورا با سرمایه داری
کسان و به پیروان ربا نزدیک می بیند .

"رزمندگان "مینوسد :
" ... دوران خوش آمیزش سیاسی خردهورژواری مدرن
- که خواسته های آن از لحاظ فدیت با سرمایه داری
به بخش تهی دس خردهورژواری سنتی نزدیک
بود ، س بخش مره خردهورژواری سنتی - که هر آن
دورنمای سرمایه داری را در پیش چشم داشت -
نمی توانست دوا مچندا نی بساورد ... " (رزمندگان
شماره ۸ صفحه ۱۴)

وچنین استدلال میکنند که :
" نزدیک خواسته های بخش تهی دست خردهورژواری
سنتی به خواسته های خردهورژواری مدرن سدان
سبب است که والا خردهورژواری سنتی فقیر به
خا طرحها چوب حقیر و دستا یه اندک خود به پرو-
لتاریا نزدیک بوده و طعم تلخ فشا سرما به راه
طرق مختلف می چند ، ثانیاً خردهورژواری مدرن
نیز بدلیل نداشتن علقه مادی در تولید و توزیع
کالا و بطور کلی نداشتن چشم انداز سرمایه داری
نزدیکی و پیوند مستقیمی با مناسبات سرمایه داری
ندارد و این هردو گروه بر ا حتی می توانستند در کنار
یکدیگر و تحت شراکشی بر علیه نظام سرمایه داری
وابسته گرد هم آیند " (رزمندگان شماره ۸ صفحه ۱۴) .
اینجا است که گرایش تر و سکیستی با گرایش روز
- یونیستی خروشچی یکدیگر نزدیک شده و در
رزمندگان " بهم میبوندند . " رزمندگان " که خود در نوشته
- ای ، بدستی به گرایش راست حمله کرده و میگوید
که نمیتوان خردهورژواری مدرن را " پیروان راستی
فکری " نامید و چنین کاری را ترغیب دوارا روسز-
یونیسم خروشچی و وسیله ای برای توجیه " راه دشمن
سرمایه داری " میداند ، خود بطریق دیگری به این دام
می افتد .

ما از این رقفا می پرسیم آیا دولت متمرکز و باشن
دولتی عظیم و بوروکراسی گسترده ، زخمات نظام
سرمایه داری وابسته نیست ؟ آیا بخش عمده ای از خرد-
هورژواری جدید را گامندان دولت تشکیل نمیدهند
که هر روز هم تنها دشان بیشتر میشود ؟ اگر منظور است

تناسبات سیستم سرمایه داری و وابسته بطور قابل سوچی
دچار ورسکسکی شده و ناسود میشود ، بدین ترتیب آن
میتوان گفت که همرا ه رشد سرمایه داری وابسته خرد-
هورژواری سنتی سر عوما بصورت رانده و مکمل سرمایه
- داری و توسعه ردمی ساد و گسترده میشود ؟ آیا می -
سوان مدعی " سود که " افزایش داده خردهورژواری سنتی
" عمدتا و ساهم طلا در رابطه سگ سنگ با اقتصاد
سرمایه داری وابسته بود " ؟ کسان ما نه ، چرا که حتی
در جوامع سرمایه داری کلاسیک و امپریالیستی نیز
چینی نموده است و با نگاه هی گذرا به واقعیت های
انساندای و اجتماعی حاکمه و حتی آمارهای رژیم
گذشته بر ا حتی میتوان دید که در حاکمه س نیز جنس
نست . و افعسهای عینی و س آن آمارها بوضوح سرعت

ورسکسکی و تلاش خردهورژواری سنتی را برای ادامه
حیات نشان میدهد . " رزمندگان " نیز زیر فشار واقعیتها
تا چا رمیشود که به بخشی از مسئله اعتراف کند " رزمندگان " .
مینوسد :

" آغا ز دوره رکود همرا ه با تورم نظام سرمایه داری
وابسته ز سال ۵۵ و تشدید آن بحران براسر
انتقال سورمچانی و گسترش اسفاد بحران عمومی
امپریالیسم موجب بروز نارضایتی در میان خرد-
هورژواری سنتی گردید . رندوسوعسا حصا را ب
سرمایه داری وابسته ... و فشا روزا جروس آنها
بر خردهورژواری سنتی از طریق رقابت و در نتیجه
کسادی کسب و کار ، کاهش درآمدهای شین آمدن سرخ
رشد اقتصادی خردهورژواری سنتی اعتراضات و
میازرات این گروه را که چند سالی دچار افول
شده بود ، مجددا شعله ور ساخت " (رزمندگان شماره
۸ صفحه ۱۴ تا کیدای زمانه) .

بدین ترتیب و با توجه نقل قول فوق گوئیی
که استقرار سرمایه داری وابسته به خاطر توسعه بیش از
پیش حیطه عملکرد سرمایه های امپریالیستی برای
کسب سود فوق انحصاری (که لزوما موجب تشدید تضادهای
طبقه ای است) و سهولت انتقال بحرانهای جوامع
امپریالیستی به کشورهای تحت سلطه نبوده و تنها قنات
و بحران اقتصادی در نظام جهانی امپریالیستی فقط
در شکل ادواری و حاد آن به کشورهای تحت سلطه منتقل
میشود و این بحرانها مدا و مانتقال نمی یافته اند
که انحصارات از همان ابتدا بر این جامعه چنگ نیا نداخته
بودند و استقرار عملکرد ساخت سرمایه داری وابسته
بخاطر منافع و نیازهای آن ن نبوده است و فشا روز-
افزون آنها از جمله بر خردهورژواری سنتی فقط در
مواقع بحرانی است این امر میان این واقعیت است
که در این ساخت خردهورژواری سنتی بنا به موقعیت
اجتماعی - اقتصادی و علیرغم گرایش قوی اقشار
متوسط به بالای آن به سرمایه سادارای تضاد بسا
سلطه و ستم امپریالیستی و سرمایه های انحصاری وابسته
بوده و در مبارزه ضد امپریالیستی - ضد سرمایه داری
وابسته بطور نا پیگیر شرکت میکند ، و متنا سب با رشد
تضادهای اجتماعی و افزایش فشارهای اقتصادی -
اجتماعی و تشدید تضادات و توسعه بحران کله زوما
با افزایش بیش از پیش سرکوب سیاسی و ستم بوروکراتیک .

سرمایه داری وابسته بعنوان رانده و مکمل سستم
مناسبات و سفا گسترش یافت . . . تضای دامنه
خردهورژواری سسی مره که با حدودی نیز در اثر
وجود جالب روحی نسبی انحصار سرمایه داری وابسته
صورت گرفت عمدتا و ساهم طلا در رابطه سگ سنگ
با اقتصاد سرمایه داری وابسته بود . اس واقعب
در کاهش بارها رانی خردهورژواری سنتی
عوما گه در ساهم طلا در رابطه سگ سنگ با
داشت " (رزمندگان شماره ۸ صفحه ۱۴) .

آیا چنین تحلیلی در ساست ؟
میدانیم که رشد و توسعه سرمایه داری همیشه
ورسکسکی خردهورژواری سنتی و فروشنده گان جزئ
و رانده شدن آنرا با تصوف پیروان ربا به همرا ه خود
دارد و همپای تمرکز تولید سرعت این ورسکسکی
افزایش می یابد ، آنچنانکه به همرا ه تکامل سرمایه -
داری و ورود آن به مرحله امپریالیسم ، تولیدکنندگان
و فروشنده گان خود نقش نا چیزی در حیات اقتصاد جامعه
پیدا میکنند و جای آنها را آسا خردهورژواری جدید
که در حقیقت مستخدمین انحصارات بزرگ هستند می -
گیرند ، اما وضعیت در جوامع سرمایه داری
وابسته چگونه است ؟ در چنین جوامعی و در آن شاخه های
از اقتصاد که بویژه سرمایه مالی امپریالیستی و سرمایه
انحصاری وابسته وارد میشود و با طرسود کلان کالا -
های مشابه خارجی بطور لجام کسبخته ای وارد میگردد ،
ورسکسکی خردهورژواری سنتی در برابر سربعتران
دوران رشد سرمایه داری کلاسیک و جوامع امپیر-
یالیستی خواهد بود ، چرا که سفا فشر فشار رهسای
اقتصادی ناشی از عدم امکان رقابت برای خرد-
تولیدکنندگان و در هم شکستن آنرا زیر فشار با س-
رقابت های شدید ، جبر غیر اقتصادی ، سلطه انحصار و
اعمال دیکتاتوری عربی که از سوی دولت وابسته به
امپریالیسم ، بعنوان مدافع منافع سرمایه مالی امپیر-
یالیستی و سرمایه انحصاری وابسته در جهت حفظ منافع
این سرمایه ها و تامین شرایط لازم برای کسب سود
فوق انحصاری توسط آنرا بشدت اعمال میگردد ، بر-
سرعت و شدت این ورسکسکی به مراتب می افزاید . این
مسئله در مورد فروشنده گان خرد نیز صادق است زیرا
گسترش فروشگاه های بزرگ زنجیره ای ، ایجاد بخشهای
فروش و توزیع وسیع زیر کنترل و سرمایه های مالی
امپریالیستی و انحصاری وابسته ... فروشنده گان
خرد را بیش از پیش تحت فشار قرار داده و بخش وسیعی
را (بویژه لایه های پایینی آنها) به ورسکسکی می -
کشانند ، اما علیرغم غلبه و توسعه مناسبات کلاسیکی
سرمایه داری در جوامع و وجود اینکه بخشهای زیاده
از خرد تولیدکنندگان و فروشنده گان جزئ بسرعت و شدت
بی نظیری ورسکسکی میکنند ، بدلیل خاصیت سرمایه
مالی امپریالیستی و مقتضیات و نیازهای آن بر-
چگونگی حرکت و باز تولید کل سرمایه اجتماعی و تولید
ارزش اضافی با زهم زمینه های وسیعی برای تولید
خرد کلاسیکی تحت استعمار شدید و تبعیت صوری کارا ز
سرمایه مالی و انحصاری وابسته ساجا سکتی با کسی
میمانند بدون اینکه جای آنها تولید کلاسیکی سرمایه -
داری بطور همجا نبه جایگزین گردد که این امر چیزی
جز نتیجه عملکرد و گرایش سرمایه مالی امپریالیستی
برای کسب سود فوق انحصاری نیست ، اما این بخشها
نیز که از اقتصاد بحران زای سرمایه داری وابسته
درواقعیت امر در لبه پرتگاه ورسکسکی قرار دارند و
هر بحران اقتصادی در کشورهای امپریالیستی و
انتقال این بحرانها به جوامع وابسته و تشدید

یکه توجه داشت که سوسن او به صدای غلاب و همکاران
با ارجاع سرمایه‌هاست با شرایطی که یکسان
با مین ماسن را در کدما اردوگا همسر تصور کنند و
برایش درک این مطلب غیرممکن است که همکار
این دوا اردوگا همسایع او را آنطور که خودش میخواهد

نخواهد داشت که به "حزب مقدس ما لکت خصوصی" از سوی
پرولتاریا "نجاتی" صورت گیرد، و همین موقعیت
اجتماعی - اقتصادی و مجاورت و نزدیکی با بورژوازی
در چگونگی سیاستهای متخذه از سوی او تا شش
فوق العاده‌ای داشته و خواهد داشت، بنا بر این

خواهد داشت، این قسرا اجتماع از یک طرف مذا -
تولید کالای خرد و از سوی دیگر ستایشگر مالکیت
خصوصی و با لطمه‌ها و دوا ربروفا قرص سیستم سرمایه -
داری است، اما همانطور که قبلا گفتیم خرده بورژوازی
مرفه‌سنتی نیز تا زمانی که زرفشار سرمایه‌های مالی
امپریالیستی و انحصاری وابسته قرار داد و به علت
کوشش این سرمایه‌ها برای یکسب سود فوق انحصاری نه
تنها به منافع اقتصادی - سیاسی خویش دست
نمی‌یابد بلکه روز بروز از مزایای قبلی نیز محروم
میگردد، و از اینرو همواره "آرزوی زاهدانه‌الغای
فشار سرمایه بزرگ بر سرمایه کوچک و فشار بر بورژوازی
بزرگ بر خرده بورژوازی را در سرمایه پرورانند " آرزویی
که هیچگاه عملی نخواهد شد، البته نبایستی فراموش
کرد که خرده بورژوازی مرفه‌سنتی رابطه تنگاتنگی با
بورژوازی متوسط داشته و مانند او در زمره تقدیس
کنندگان سرمایه ریست و اگر بتوانند هرگز از جاسزه

● رزمندگان معتقدند که چون خرده بورژوازی مدرن چشم انداز سرمایه‌داری را روشن نداند رپس نمیتوانند بسوی
بورژوازی بروند، پیوند مستقیمی با سرمایه‌داری ندارد و نزدیک به پرولتاریاست، آنها همه لایه‌هایش!

و آن هم در درازمدت تا من نخواهد کرد.
در دنباله این بحث، نظرات رزمندگان را در مورد
ارزیابی از روابط طبقاتی و موقعیت سیاسی کتونی
(پس از قیام) مورد بررسی قرار خواهیم داد.
"اذا مه‌دارد"

متناسب با رشد مبارزه طبقاتی و برآ مد مبارزه مستقل
پرولتاریا، درجه تزلزل و سازشکاری او در مبارزه با
سرمایه مالی امپریالیستی و سرمایه انحصاری وابسته
ورویندی سیاسی سیستم دچار دگرگونی شده و شدت مییابد
و او را آماده سازش با دشمن میکند، اما باید به این



پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر